

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه شماره ۱۰۴۱
به مناسبت سالگرد آغاز انقلاب
زن، زندگی، آزادی

یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۲، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۳

سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی:
بیانیه‌ها، فراخوان‌ها و اعتراضات مردمی

شهلا دانشفر

در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی جامعه به شدت ملتهب است و در فراخوان‌های اعتراضی به این مناسبت و برای گرامیداشت ۲۵ شهریور روز به قتل رسیدن مهسا امینی این نماد انقلاب، همه از شروعی مجدد سخن می‌گویند. درودیوار به رنگ این روز مهم اعتراضی و دادخواهی درآمده و رنگین شده است. فراخوان‌ها و تراکت‌ها و بیانیه‌های فراوانی در تمام شهرها و در مدیای اجتماعی پخش شده و تأکید مهم این فراخوان‌ها بر آمدن دوباره به خیابان‌ها و تسخیر آنها، بر تعطیل و اعتصاب عمومی و شرکت در راهپیمایی اعتراضی تا مزار مهسا امینی و تجمع بزرگ در گورستان آچی و گرامیداشت یاد وی و بر تعطیلی کار در همه جا و گرامیداشت یاد تک تک جان‌باختگان انقلاب در سالروزهای به قتل رسیدنشان است.

همچنین درحالی که در ادامه نبرد هر روزه بر سر حجاب و در دفاع از این سنگر فتح شده انقلاب، در خیابان‌ها بی‌حجابی موج می‌زند، فراخوان‌ها بر بی‌حجابی سراسری برای ۲۵ شهریور سالروز انقلاب و برای زدن ضربه‌ای کاری بر آپارتاید جنسی این شکل آشکار جنایت علیه بشریت است. این جنب‌وجوش وسیع خیز جدیدی به اوضاع سیاسی جامعه و انقلاب داده و مدیای اجتماعی و کف خیابان و فضای شهرها در التهاب شروع دیگری از انقلاب قرار دارند. بازتاب این فضا در تحریکات اعتراضی خارج کشور و تدارک برنامه‌های ویژه سالگرد انقلاب و گرامیداشت یاد مهسا قابل مشاهده است.

حزب کمونیست کارگری در بیانیه‌های خود و گفتمان‌های هر روزه تلویزیون و نشریات و مدیای اجتماعی اش با شعار "۲۵ شهریور روز تجمع و اعتراض و باز ایستادن همه چرخ‌ها و تسخیر خیابان‌ها است و با تأکید بر بی‌حجابی همگانی در این روز حمایت همه‌جانبه خود را از فراخوان‌های مردمی به مناسبت گرامیداشت سالگرد انقلاب و یاد مهسا امینی اعلام کرده است. در همین راستا یک تأکید حزب بر تشکیل جمع‌های زن، زندگی آزادی و سازمان‌یابی در همه محلات و شهرها، بر پیوستن وسیع به تشکلهای موجود مردمی در عرصه‌های مختلف نبرد و اتحاد مبارزاتی همه بخش‌های جامعه، بر جلو آوردن دوباره

ادامه در صفحه ۲

دستاوردها و پیشروی‌های تاکنونی

انقلاب زن زندگی آزادی

سؤال از محسن ابراهیمی
صفحه ۴

انقلاب زن زندگی آزادی و نقش احزاب

یک سؤال از کاظم نیکخواه
صفحه ۶

در تدارک سالگرد انقلاب

تدوین شده بر مبنای مصاحبه برنامه ساز مانده با حمید تقوایی
صفحه ۷

بیانیه هشت تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی به مناسبت یک‌سالگی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و سالروز قتل مهسا امینی

صفحه ۱۰

بیانیه‌ها و فراخوان‌ها به مناسبت سالگرد انقلاب

از صفحه ۱۱

اطلاعیه‌ها به مناسبت سالگرد انقلاب

از صفحه ۱۶



سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی:
بیانیه‌ها، فراخوان‌ها و اعتراضات مردمی
از صفحه نخست

خیابان‌ها و میادین اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور است. در این فراخوان در شهر سقز و کل استان کردستان نیز بر حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان تأکید شده است.

امجد امینی پدر ژینا (مهسا) امینی از برگزاری مراسم سالگرد مهسا خبر می‌دهد و می‌گوید: "برای گرامیداشت نام و یاد ژینا بر آنیم که امسال مراسم سالگرد را برگزار کنیم. اما قطعاً با توجه به شرایط نمی‌توانیم به صورت رسمی برای دعوت مردم در مراسم فراخوان بدهیم و یا به مردم بگوییم که در مراسم شرکت نکنند. چرا که امروزه همه می‌دانند که مهسا فقط متعلق به خانواده امینی نیست و او دختر ایران است و متعلق به تمام کشور است. دوستان مهسا به مثابه خانواده‌اش هستند بنابراین مردم هر طور تصمیم بگیرند ما مطیعشان هستیم."

مردم و اصناف سقز با دعوت مردم ایران به تجمع بر مزار مهسا امینی می‌نویسند: "بار دیگر و بیش از پیش، فریاد آزادی خواهی خود را علیه ظلم این ظالمان برآیم... لذا اهالی سقز، از تمامی مردم ایران. بلاخص هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران، چهره‌ها و شخصیت‌های نامی. دعوت به عمل آورده تا با شرکت در این مراسم، یاد آن سمبل آزادی خواهی را گرامی داریم. مردم شریف سقز این افتخار دارند که پذیرای مهمانان و مردم عزیز باشند که از دیگر شهرهای ایران در این مراسم حضور می‌یابند."

نهاد دادخواهان نیز به مناسبت سالگرد انقلاب طی بیانیه‌ای با فریاد شعار قسم به خون یاران؛ #ایستاده‌ایم_تا_پایان بر تبدیل ۲۵ شهریور به یک روز اعتراض سراسری و روز دادخواهی مردم، به گرامیداشت این روز مهم فراخوان داده‌اند. دادخواهان در بیانیه خود با اشاره بر بیانیه عفو بین‌المللی همچنین بر محاکمه سران حکومت تأکید کرده‌اند. در بخشی از فراخوان دادخواهان چنین آمده است: "از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را به روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد. کارهایمان را تعطیل می‌کنیم و مزار و محل کشته شدن عزیزانمان را گل‌باران می‌کنیم. از همه انسان‌هایی که معنی زندگی را در آزادی می‌دانند می‌خواهیم با هر شکلی که می‌توانند این روز را به روز اعتراض سراسری بدل سازند. با سردادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جان‌باخته‌مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم. دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جان‌باخته‌مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایت‌کاران قاتل برهانیم. بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست. از همه تشکل‌ها و نهادهای مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که روز مهسا را به روز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم. ما جز زندگی چیزی نمی‌خواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحادمان پیروز می‌شویم."

در کنار همه این فراخوان‌ها فراخوانی نیز از سوی رنگین‌کمانی‌ها داده شده و می‌نویسند: "ما افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس و کوئیر ایرانی همچون سالی که گذشت در کنار زنان، دانشجویان، کارگران و جوانان به مبارزه با این نظام ضدانسانی و هموفوب خواهیم پرداخت و همگام با

منشور خواست‌های حداقلی بیست و شش شکل به‌عنوان مانیفست انقلاب و پرچم اتحاد صفوف مردم و منشور خواست‌های پیشرو زنان است. حزب با تلویزیون ۲۴ ساعته خود صدای رسای انقلاب مردم است. نگاهی به فراخوان‌های مردمی به مناسبت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی داشته باشیم.

فراخوان‌ها و بیانیه‌ها

هشت تشکل از کارگران دادخواهان و مدافعین حقوق زن روز ۱۸ شهریور بیانیه‌ای را به مناسبت سالروز انقلاب و قتل مهسا امینی منتشر کردند و بر نکات مهمی تأکید گذاشتند. امضاکنندگان این بیانیه عبارت‌اند از: "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، ندای زنان ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری، سندیکای نقاشان البرز، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد."

این بیانیه تحت عنوان "دوباره به خیابان می‌آییم، فقط کف خیابون به دست میاد حقمون" تأکیدش بر آمدن وسیع به خیابان‌ها و تبدیل این روز به روز اعتراض سراسری و جمع شدن بر مزار مهسا امینی و گرامیداشت یاد اوست. تأکیدش بر گرامیداشت یاد تک‌تک جان‌باختگان انقلاب است و تأکیدش بر متحد شدن حول منشور خواست‌های حداقلی به‌عنوان منشور اتحاد صفوف مبارزه مردم در انقلاب زن زندگی آزادی است. در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده است: "در تاریخ مبارزات جهانی علیه مواردی از تبعیضات و نابرابری‌ها، نقاط عطف‌ها، برآمدها و وقایع تعیین‌کننده‌ای مانند فراخوان به اعتصاب کارگران آمریکا در روز اول می ۱۸۸۶ با خواست ۸ ساعت کار در روز و اعتصاب ۸ مارس ۱۸۵۷ زنان کارگر نساجی نیویورک علیه تبعیض در پرداخت دستمزد میان زنان و مردان رخ داده‌اند و این روزها در تقویم جهانی به‌عنوان روز جهانی کارگر و روز جهانی زن تعطیل عمومی اعلام و به ثبت رسیده‌اند. با قدرت مبارزمان ۲۵ شهریور سالروز انقلاب زن زندگی آزادی را به روز تعطیل عمومی هر ساله خود و در فردا روز تبدیل خواهیم کرد."

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی مشتمل از تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان به مناسبت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و یاد مهسا (ژینا) امینی خطاب به عموم جامعه در ششم شهریورماه طی بیانیه‌ای فراخوانی داده است. در سرسخن این بیانیه با اشاره به یک سال مبارزه نفس گیر برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی چنین آمده است: "در سالروز قتلی که کاسه صبرمان را لبریز کرد و سیل خروشان انقلاب را روانه خیابان‌های سراسر کشور کرد، برمی‌خیزیم و با اسم رمز «مهسا/ژینا»، دگر بار لرزه بر تن متجاوزان و قاتلان می‌اندازیم." در ادامه این بیانیه بر آمادگی برای تجمعات، فعالیت‌های میدانی، تبلیغات، سازماندهی شهری و محله‌ای از هم اکنون تا روز ۲۵ شهریور تأکید شده و فراخوانش خطاب به عموم جامعه برپایی تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت

سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی:

بیانیه‌ها، فراخوان‌ها و اعتراضات مردمی

از صفحه ۲

جامعه، انسانیت، برابری و آزادی را مطالبه خواهیم کرد. لیاقت ما فراتر از این شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و برای دستیابی به دنیایی بهتر و انسانی، آماده مبارزه متشکل و جمعی برای مبارزات خیابانی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی می‌شویم. جمع‌ها و گروه‌های مبارزاتی شهر/محله خود را شکل دهید و آماده مبارزه و جدال نهایی باشید!"

بدین گونه هر روز از سوی بخش‌های مختلف جامعه فراخوان‌های اعتراضی مختلف منتشر می‌شود. از جمله چهار شکل سندیکای نیشکر هفت‌تپه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان، کارگران بازنشسته خوزستان طی بیانیه‌ای به مناسبت سالگرد انقلاب بر اتحاد مبارزاتی علیه سرکوبگری‌های حکومت فراخوان داده‌اند.

اعتراضات مردمی

یک کانون داغ اعتراض در آستانه سالگرد انقلاب، کردستان و تدارک وسیع برای گرامی‌داشت سالگرد انقلاب و گرامی‌داشت یاد مهسا در کردستان است. بحث بر سر راهپیمایی اعتراضی بزرگ تا مزار مهسا است که همه مردم به شرکت در آن دعوت شده‌اند و فراخوان‌های مربوط به این روز این تحرکات را به روشنی بازتاب می‌دهد. کانون دیگر داغ اعتراضی انقلاب سیستان و



بلوچستان و به‌ویژه شهر زاهدان است. حکومت اسلامی با کشتار فراوان و سرکوبگری‌های وحشیانه تلاش کرد اعتراض در این استان را بخواباند. هم اکنون شعارنویسی‌ها و فراخوان برای سالگرد انقلاب در این استان گسترده است. آخرین تجمع اعتراضی مردمی در زاهدان در یازدهم شهریور برپا شد و مردم با شعارهای زن زندگی آزادی، مرگ بر خامنه‌ای، زندانی سیاسی آزاد باید گردد ادامه اعتراضاتشان را فریاد زدند. همچنین به مناسبت سالگرد انقلاب، زنان آزادی‌خواه بلوچ با نوشتن پلاکاردی با مضمون "زینای کردستان در قلب بلوچستان" هم‌رزمی خود با مردم کردستان و سراسر ایران برای سرنگونی حکومت را به نمایش گذاشتند. یک شعار اعتراضی مردم در انقلاب زن زندگی آزادی شعار از زاهدان تا کردستان اتحاد اتحاد بود.

از سوی دیگر اعتراضات در میان بخش‌های مختلف جامعه گسترده است. یک بخش رزمنده آن بازنشستگان هستند. بازهم در این هفته در سه روز یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه شاهد تجمعات سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی، مخابرات و کشوری بودیم. بازنشستگان با شعارهایی چون "گرانی تورم بالای جان مردم"، "وزیر بی‌کفایت استعفا، استعفا"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست" صدای اعتراض کل جامعه را نمایندگی می‌کنند. در سنج بازنشستگان کشوری با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"

پیوند عمیق مبارزات بازنشستگان و کل جامعه را به نمایش گذاشتند. فریاد شعار "رئیس، قالیباف، این آخرین پیام است، جنبش بازنشستگان آماده قیام است" اولتیماتوم بازنشستگان در تجمعات اعتراضی این هفته‌شان به حکومت بود. امروز بازنشستگان اتحاد را محور فراخوان‌هایشان به مردم قرار داده و با شعارهای اعتراضی خود فراخوانشان به اتحاد مبارزاتی جمعیت میلیونی کارگران شاغل و بیکار و همه بخش‌های بازنشسته است. علاوه بر بازنشستگان اعتراضات در مراکز مختلف کارگری بسیار است. یک نمونه پر سروصدای آن در ماشین‌سازی اراک است که دو هزار کارگران این مرکز مهم کارگری که بزرگ‌ترین طراح و سازنده مجتمع‌های پتروشیمی و پالایشگاه‌ها گاز و نفت و پل‌ها و نیروگاه‌های برق‌آبی و کارخانجات سیمان هستند در اعتراض‌اند. اعتراض آنها به فقر و گرانی و سطح نازل حقوق‌ها و خواست فوری‌شان برچیده‌شدن بساط پیمانکاران و مستقیم شدن قراردادهایشان است. در عین حال کارگران در بخش‌های مختلف نفت در اعتراض‌اند و فضای اعتراضی در این مرکز کلیدی کارگری بالاست. اینها همه نشانگر آماده‌شدن فضا برای تجمعات و اعتصابات سراسری است.

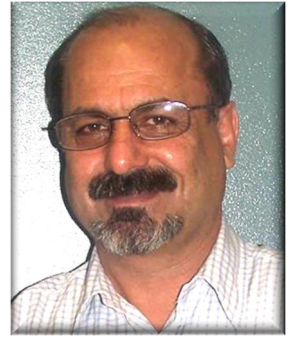
حکومت اسلامی با شدت دادن به سرکوبگری‌هایش تلاش می‌کند این موج وسیع انقلابی را عقب بزند. دانشگاه‌ها که کانون مهمی از انقلاب است را هدف قرار داده و بسیاری از دانشجویان و استادان با احکام اخراج روبرو شده و برایشان پرونده‌های امنیتی تشکیل شده است. از سوی دیگر برای شمار بسیاری از فعالین و اکتیویست‌های کارگری و معلمان پرونده‌های امنیتی تشکیل شده و احکام انفصال از کار گرفته‌اند. زنان بسیاری به‌خاطر حجاب از جمله در چالوس دستگیر شده‌اند و حکومت در مراکز

چون کردستان و سیستان و بلوچستان برای کنترل تحرکات اعتراضی مردمی به دستگیری‌هایش شدت داده و فضای شهرها را به شدت امنیتی کرده است. اما مردم با شعار "قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان" محکم ایستاده و در فراخوان‌هایشان از آمدن دوباره به خیابان‌ها می‌گویند. جالب اینجاست که حکومت با دستگیری و زندان و فشار آوردن بر روی زندانیان تلاش می‌کند جو ارباب را تشدید کند. از جمله زندانیان را از دارو و درمان محروم کرده و تماس‌های تلفنی آنها را محدود کرده است. دست به انتقال و جابه‌جایی زندانیان زده و غیره. اما زندان نیز در ادامه خیابان در اعتراض است. از جمله سیزده زندانی سیاسی محبوس در زندان قزل‌حصار کرج، از روز یکشنبه ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۲، در اعتراض به انتقال خود از زندان اوین به قزل‌حصار و شرایط نامناسب زندان دست به اعتصاب زده‌اند. جعفر ابراهیمی معلم زندانی یکی از این زندانیان است که وضع جسمی او وخیم‌گزارش می‌شود. جنبش دادخواهی نیز با قدرت در میدان است و با زنده کردن یاد عزیزان جان‌باخته برای گرامی‌داشت سالگرد انقلاب خود را آماده می‌کنند.

در متن چنین شرایطی و جنگ بی‌امان با حکومت است که جامعه به استقبال سالگرد انقلابش می‌رود و از شروع دوباره انقلاب سخن می‌گوید. زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

دستاوردها و پیشروی‌های تاکتونی انقلاب زن زندگی آزادی

سؤال از محسن ابراهیمی



بی‌سابقه‌ترین و عظیم‌ترین همبستگی جهانی را جلب کرد. سونامی ضد مذهبی و مشخصاً ضداسلامی که قبلاً آیت‌الله‌ها را به هراس انداخته بود، در اشکال مختلف از جمله یورش به دفاتر امام‌جمعه‌ها و نمایندگی‌های ولی‌فقیه و مساجد، در شکل حجاب‌سوزان و عمامه‌پرانی به خیابان‌ها جاری شد.

صف بزرگی از فعالین و رهبران میدانی و حتی سراسری، مخصوصاً از میان زنان و نسل جوان شکل گرفت که به چهره‌های محبوب در سراسر ایران تبدیل شدند و متزیال انسانی شکل‌گیری رهبری رادیکال و کلان و ادامه و پیشروی بعدی انقلاب فراهم شد.

"خاکریز اول" حکومت فتح شد و حجاب، این بیرق سیاسی اسلام و حکومت اسلامی عملاً در خیابان‌ها به زیر کشیده شد.

دکان ناسیونالیسم قومی تخته شد. ناسیونالیسم عظیمت طلب و نماینده سلطنت‌طلبش در اپوزیسیون علی‌رغم هر شامورتی بازی برای جلوس بر صندلی رهبری، عملاً صندلی پوسیده زیر خودش را هم شکست.

تشکل‌یابی تکثیر شد. جنبش‌های عدالت‌خواه و برابری طلب و پیشرو و مدرن بیشتر خود را متشکل کردند و کنار هم قرار گرفتند.

شعارها، خواسته‌ها، اهداف جنبش سرنگونی شفاف‌تر و متعین‌تر شد. منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی (منشور بیست تشکل)، "منشور مطالبات پیشرو زنان" دو مورد شاخص هستند که به روشنی هدف مردم به‌پاخاسته را فرموله کرده‌اند که به اشکال مختلف در بیانیه‌های متعدد رهبران و فعالین جنبش‌های متعدد پیشرو هم منعکس است.

اما برای تثبیت دستاوردها و پیشروی‌ها چه باید کرد؟

تعین، تشکل، اتحاد و رهبری. اینها چهار عرصه‌ای هستند که برای تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشروی بعدی و پیروزی‌اش حیاتی هستند.

تعین: انقلاب برای تغییر بنیادی وضع موجود راه افتاده است. هر چقدر انقلاب به تصویر روشن‌تر و شفاف‌تری آنچه که می‌خواهد تغییر دهد، از مطالبات و شعارهایش متکی شود، همان قدر بیشتر پیروزی‌اش تضمین می‌شود. همان قدر بیشتر مثلاً در مقابل کلاهبرداری سیاسی کلاسیک نیروهای راست با لفاظی در باره خاک و خون و مرز و تاریخ و ملت و میهن و پرچم مصونیت پیدا می‌کند.

انقلاب جاری با شعار "زن زندگی آزادی" و ترانه - سرود "برای" شروع شد. علیه دیکتاتوری شعار داد؛ علیه تجسم مذهبی - سیاسی این دیکتاتوری شعار داد؛ علیه دخالت آخوند و مذهب در زندگی شعار داد؛ علیه فقر و فلاکت و گرانی شعار داد؛ علیه ستم بر زن شعار داد؛ و با همه این شعارهای سلبی عملاً تصویر روشنی از آنچه می‌خواهد و برایش انقلاب کرده است را به نمایش گذاشت و البته برای تحقق اینها به خیابان آمد.

منشور بیست تشکل تحت عنوان "زن، زندگی، آزادی: منشور مطالبات حداقلی"

انترناسیونال: با گذشت یک سال از انقلاب زن، زندگی، آزادی و با تمام افت‌وخیزهایی که شاهد آن بودیم، از نظر شما این انقلاب تا همین‌جا چه دستاوردها و پیشروی‌هایی داشته است؟ برای تثبیت و پیشبرد این دستاوردها چه باید کرد؟

محسن ابراهیمی: بی‌تردید تاریخ سیاسی ۴۴ساله جمهوری اسلامی را باید به پیش و بعد از انقلاب زن، زندگی، آزادی تقسیم کرد. موقعیت مردم و حکومت در مقابل هم اتحاد و همبستگی بی‌سابقه میان مردم، ریزش بی‌سابقه در بالا و پایین حکومت، موقعیت دستگاه سرکوب، موقعیت مذهب و اسلام در جامعه، موقعیت جهانی حکومت، تغییر نگاه مردم جهان به جامعه ایران، همه دستخوش تغییراتی بی‌سابقه، ماندگار و غیرقابل بازگشت شده‌اند. به‌عنوان لیست کوتاهی از دستاوردها و پیشروی‌ها جا دارد به این موارد اشاره کنیم.

از انقلاب اعاده‌حیثیت شد. تلاش ۴۳ سال سران حکومت اسلامی از یکطرف و طیف راست و مخصوصاً سلطنت‌طلبان از طرف دیگر برای تداعی کردن انقلاب با توحش و جنایت اسلامی یکشنبه دود شد و به هوارفت. ضرورت، مطلوبیت و مخصوصاً امکان‌پذیری انقلاب امروز غیرقابل‌انکار شده است. حتی اپوزیسیونی که از شنیدن کلمه انقلاب کهپر می‌زد، امروز حتی برای موش‌دوانی علیه انقلاب که شده اول باید خودش را انقلابی جا بزند.

مردم به نیروی وسیع و متحد خود علیه حکومت پی بردند و به قدرت و نقش آفرینی خود واقف شدند. کم‌سابقه‌ترین اتحاد و همبستگی میان افشار مختلف مردم تحت ستم و تبعیض شکل گرفت. معلوم شد در مقابل حکومت اکثریت عظیم مردم مبارزه باهم هستند.

اردوی ترس جابه‌جا شد. به‌جای مردم، آنها که قرار بود بترسانند به وحشت افتادند. در گزارش سرداران سپاه به خامنه‌ای حتی از افت شدید روحیه در میان رده‌های بالای دستگاه سرکوب هم صحبت شد.

ریزش ایدئولوژیک در صفوف حکومت سرعت گرفت. مخالفت درون حکومتی و تزلزل افزایش پیدا کرد. شکاف و تزلزلی که موقعیت انقلاب را تقویت می‌کند.

اکثریت عظیم پناهجویان و مهاجرین ایرانی در خارج کشور برای اولین بار برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان آمدند.

آرمان‌های عمیقاً انسانی انقلاب و اولین انقلاب زنانه، ۴۳ سال تصویرسازی بی‌شمارانه از مردم را در کمتر از ۴۳ روز زیور کرد. معلوم شد حجاب و سنگسار و خرافات و ماتم و ستم بر زن و خشونت و ترور نه‌تنها فرهنگ مردم نیست بلکه مردم به‌پاخاسته‌اند تا حکومتی را به زیر بکشند که تمام این ارزش‌های فرهنگی اسلامی را سعی کرده است به ضرب توحش و سرکوب در آن جامعه پیاده کند.

به‌تبع همین، انقلاب زن زندگی آزادی، خیلی سریع در قلب مردم جهان جای گرفت و اولین انقلاب زنانه، شورانگیزترین،

دیگر در مقابل جامعه قرار دهند. برنامه سیاسی شفاف احزاب، برای پیشبرد یک مبارزه شفاف و امکان انتخاب سیاسی آگاهانه جامعه نه تنها لازم و حتی حیاتی است.

منظور از اتحاد در انقلاب زن زندگی آزادی، مبارزه متحدانه جنبش‌های اعتراضی متنوع و اقشار مختلف تحت ستم و تبعیض است که به‌عنوان نیروی انسانی فعال در انقلاب نقش ایفا می‌کنند. منظور اتحاد کارگران، بیکاران، بازنشستگان، معلمان، کشاورزان، زنان، رنگین‌کمانی‌ها، دانشجویان، دانش‌آموزان، وکلا و پزشکان و اهل هنر و ورزش معترض به وضع موجود است. هر چقدر این اتحاد اعتراضی و سیاسی علیه حکومت گسترده‌تر و محکم‌تر باشد، همان قدر، پیشروی و پیروزی انقلاب قطعی‌تر خواهد بود.

رهبری: روشن است که برای پیشروی و پیروزی انقلاب، شکل دادن به یک رهبری انقلابی شرط اساسی است. آنهایی که می‌گویند هرکس خودش یک رهبر است و انقلاب رهبر نمی‌خواهد در بهترین حالت موقعیت کنونی را توجیه می‌کنند. روشن است که به درجه‌ای که رهبری انقلابی پرنفوذ و سراسری شکل بگیرد، پیشروی و پیروزی انقلاب تسریع خواهد شد و تضمین خواهد شد. این هم روشن است که هیچ انقلابی با رهبری و همراه رهبری اش متولد نمی‌شود. رهبری در جریان انقلاب شکل می‌گیرد.

انقلاب زن زندگی آزادی در دوره جدیدی رخ می‌دهد که کمترین شباهتی با شرایط انقلاب‌های کلاسیک قبلی ندارد و به همین دلیل در خیلی جنبه‌ها از جمله مهندسی رهبری برای شکست انقلاب هم با انقلاب‌های قبل از خود عمیقاً متفاوت است. برای مثال، اگر در انقلاب ۵۷ توانستند خمینی را برای شکست انقلاب روی دوش مردم سوار کنند، یک دلیل - نه همه دلایل - نقش رسانه پرنفوذ بی‌پی‌سی بود که برای مهندسی کردن خمینی به‌مثابه "رهبر انقلاب" سنگ تمام گذاشت. امروز بازیگران انقلاب خودشان نقش رسانه و خبرنگار و خبرنگار و مفسر انقلابیشان را هم بازی می‌کنند. امروز کسی را به کمک امثال بی‌پی‌سی نمی‌توان در ماه کرد و به مردم انداخت. بی‌دلیل نیست که تلاش‌های مضحک رضا پهلوی برای بازگشت به ایران با هواپیمای "امریکن ایرلاین" و بازپس‌گیری تاج‌تخت به کمک سرداران "میهن‌پرست" سپاه و جناح "خوب" آخوندها کاریکاتور از آب درآمده است.

آرمان‌ها و آرزوها و مضمون خواست‌ها و تصویر اکثریت عظیم مردم انقلابی از زندگی اساساً برابری طلبانه، چپ و رادیکال است و به همین دلیل فضا و پتانسیل برای اینکه جامعه نهایتاً چپ را برای پیشروی و پیروزی انقلاب انتخاب کند فراهم‌تر است.

اما این خودبه‌خودی اتفاق نمی‌افتد. حزب کمونیست کارگری با ۳۳ سال مبارزه درخشان علیه جمهوری اسلامی و نظام سرایا تبعیض سرمایه‌داری توانسته است تصویری روشن، مدرن، پیشرو، انسانی و خواهان تغییرات بنیادی در زندگی مردم توسط چپ و کمونیسم ارائه دهد. کاری که برای تأمین و تضمین هژمونی سیاسی چپ در مقابل راست، فراهم کردن امکان انتخاب چپ توسط جامعه برای پیشبرد انقلاب بسیار مهم است. تضمین سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، تضمین ادامه انقلاب تا پایان دادن به نظام سرایا تبعیض طبقاتی، در گرو این است که حزب چقدر بتواند همین نقش را قدرتمندتر و مؤثرتر پیش ببرد؛ شرایط انتخاب چپ توسط جامعه برای پیشبرد انقلابش را فراهم‌تر کند و خودش بتواند نقش مرکزی در رهبری و پیروزی انقلاب ایفا کند. حزب به این واقف است که دنیایی کار برای رسیدن به چنین شرایطی پیش روی ماست و با تمام توان برای تحقق این هدف تلاش و مبارزه می‌کند. ***

تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران"، یک اقدام بموقع و بسیار مهم در جهت تعیین بخشیدن به خواست‌های انقلاب بود که صریحاً اعلام کرد انقلاب جاری، انقلابی "علیه زن‌ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناسمنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیرمذهبی و سرآغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری" است. "منشور مطالبات پیشرو زنان ایران"، اقدام دیگری بود که پیشروترین تصویر از موقعیت و حقوق زنان را ارائه داد و بالاخره بیانیه‌های تشکل‌ها و چهره‌ها و رهبران و فعالین کارگری، زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان و بازنشستگان، کلاً فعالین برابری‌طلب و آزادی‌خواه و پیشرو هم اقدامی در این جهت بود و ادامه دارد.

بسیار پیش‌تر از انقلاب زن زندگی آزادی، حزب کمونیست کارگری با انتشار "منشور انقلاب و رهایی جامعه" بعد از خیزش سرنگونی‌طلبانه دی‌ماه ۹۶، در جهت تعیین دادن به خواست‌های جنبش سرنگونی اقدام ارزنده‌ای را آغاز کرد. در این فرصت کوتاه فقط به یک بخش کوچک این منشور اشاره می‌کنم که در مقابل جریانات راست برای محدود کردن سرنگونی به تغییرات سطحی و حفظ ساختارها، معنی سرنگونی حکومت اسلامی را در پنج بند به این صورت فرموله کرده بود:

۱- خلع‌ید حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس‌جمهور و همه مقامات دولتی

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده‌اند. پیگرد بین‌المللی مقامات جنایت‌کار فراری حکومت.

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاه‌ها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

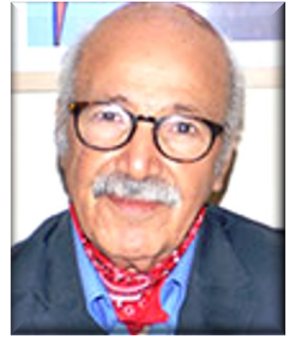
۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضدانسانی جمهوری اسلامی

تشکل: حکومت اسلامی همان قدر از تشکلیابی انقلاب هراس دارد که از تعیین یابی آن. فضای انقلابی، هم ضرورت تشکلیابی را برجسته کرد و هم عملاً در چنین فضایی، نیروهای متنوع عدالت‌طلب از جمله کارگران، دانشجویان، جوانان، دانش‌آموزان، زنان، معلمان، بازنشستگان و خانواده‌های جان‌باختگان بیش‌ازپیش سعی کردند متشکل‌تر شوند. اتفاقی که برای حکومت اسلامی یک کابوس است و بی‌دلیل نیست که یک کار تمام‌وقت نیروهای اطلاعاتی و امنیتی حکومت، در هم شکستن این تشکل‌هاست و البته هرگز موفق نشده است. نه فقط به این خاطر که پلتفرم‌های عصر اینترنت دست حکومت را بسته است؛ بلکه اساساً به این خاطر که هم نیاز و جنب‌وجوش و تمایل و تلاش و اقدام به تشکلیابی بسیار قوی است و هم امکانات یک حکومت منفور و بی‌پایه در جامعه در مقابل امکانات و ابتکارات اقیانوس عظیم یک جامعه معترض با یک نسل جوان میلیونی معترض و در عین حال سرشار از ابتکار رنگ می‌بازد.

اتحاد: منظور وحدت احزاب و سازمان‌های متعلق به جریانات سیاسی مختلف از گرایش‌های مختلف نیست. این نه واقعی است، نه امکان‌پذیر است و نه حتی مطلوب است. احزاب و سازمان‌ها متعلق به جنبش‌های مختلف در جامعه هستند و قاعداً باید برنامه خود را در تمایز با احزاب

انقلاب زن زندگی آزادی و نقش احزاب

یک سؤال از کاظم نیکخواه



خودبه‌خودی و بدون دخالت احزاب کمونیست و چپ نمی‌تواند ایجاد شود. این نکته‌ای است که من در جای دیگری مفصل‌تر در مورد آن صحبت کرده‌ام و بعضی‌ها از سطحی‌گری از آن نتیجه عکس را برداشت کردند که گویا تحزب را نفی می‌کنم که آن قدر پرت بود که جوابی لازم نداشت.

من نمی‌خواهم و نمی‌توانم از جانب همه احزاب و سازمان‌ها صحبت کنم. بلکه به‌عنوان یک عضو حزب کمونیست کارگری باید بگویم که این فضای اجتماعی بسیار شعف‌انگیز و امیدوارکننده است و آن چیزی است که ما خود در ایجاد آن بیش از هر جریانی نقش داشته‌ایم و این جهت را همیشه دنبال کرده و دنبال می‌کنیم. امروز بر متن این انقلاب هم ما تلاشمان این است که در حد ممکن همین رگه‌های رادیکال و عمیق انقلاب را تقویت کنیم و کاری کنیم که این انقلاب با سرنگونی جمهوری اسلامی کل سنت‌های حکومت اسلامی را ریشه‌کن کند و به نحو برگشت‌ناپذیری به ایجاد جامعه‌ای مرفه و برابر و انسانی منجر شود.

جامعه‌ای بدون اعدام، بدون زندان‌های سیاسی، بدون فقر و تبعیضات طبقاتی، و بدون دخالتگری مذهب در زندگی مردم. این بیان دیگری برای یک جامعه سوسیالیستی از دیدگاه ماست. چگونه می‌توانیم به چنین تحولی برسیم؟ یکی از راه‌های این است که تلاش کنیم چهره‌های رادیکال و آزادی‌خواه و انسان‌دوست به جلو صف انقلاب سوق داده شوند و آنها را تقویت کنیم. یکی از راه‌های همین است که جایگاه و معنای این گرایش‌های انسانی را به بازیگرانش در خیابان نشان دهیم، این فعالین و بازیگران را فرموله کنیم و اهمیت و جایگاه این گرایش را به آنها نشان دهیم. یکی از راه‌های این است که مدام مبلغ خواست‌های رادیکال و انسان‌دوستانه و



برابری‌طلبانه و ضد طبقاتی در انقلاب باشیم و فضا را هرچه بیشتر به این سمت سوق دهیم. یکی از راه‌های این است که جریان‌ها و احزاب و افرادی را که مانع انقلاب و تحولات پایه‌ای و انسانی هستند افشا کنیم و

الی‌آخر. بدون حزب انقلاب به‌سادگی به بیراهه کشیده خواهد شد. تا همین‌جا حزبی مثل حزب کمونیست کارگری بسیار نقش داشته است که جنبش انسانی، علیه سرکوب، علیه مافیای سرمایه‌داری و علیه اسلام سیاسی در جامعه تقویت شده و جلوآمده است.

بعضی‌ها ادعا می‌کنند که احزاب سیاسی نقشی در اوضاع سیاسی نداشته‌اند و همه چیز خودبه‌خودی پیش رفته است. چون که کوچک‌ترین شناختی از عمق تحولات و مبارزات اجتماعی ندارند و به این مبارزات پیربط‌اند. انقلاب به حزب انقلابی نیاز دارد و ما تلاش می‌کنیم که چنین نقشی را در انقلاب ایفا کنیم. آینده نشان خواهد داد که کدام حزب و جریان تا چه حد در این جهت موفق بوده و پیش رفته است.*

انترناسیونال: شما نقش احزاب در انقلاب زن زندگی آزادی را چگونه توضیح می‌دهید؟ تا کنون چگونه بوده و چگونه باید باشد؟ آیا امکان یکی‌شدن یا اتحاد احزاب اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی وجود ندارد؟

کاظم نیکخواه: اول در پاسخ این نکته آخرتان بگویم که وجود احزاب متعدد در تمام جوامع طبیعی است. چون که طبقات و اقشار متعددی با منافع و سنت‌های مختلف و متضادی وجود دارند و هر طبقه‌ای منشأ سنت‌ها و گرایش‌ها و جنبش‌های متعددی است و بر متن هر کدام از این جنبش‌ها و سنت‌ها احزاب و سازمان‌های متعددی شکل می‌گیرند. نباید از وجود احزاب مختلف ضعف جنبش را نتیجه گرفت و نگران و ناراحت شد. اینها بازتاب طبیعی جامعه طبقاتی هستند. حتماً یک سری احزاب در مقاطعی به هم نزدیک و در مقاطع دیگری از هم دورتر می‌شوند؛ اما هیچگاه همه یکی نمی‌شوند.

انقلاب زن زندگی آزادی به‌طور کلی می‌توانم بگویم که بر متن شرایط اجتماعی ای شکل گرفت که اساساً گرایش چپ در آن اگر نگوییم غالب می‌توان گفت دست بالا را دارد. این به چه معناست؟ از قبل از انقلاب برابری‌طلبی، آزادی‌خواهی، گرایش ضد سرمایه‌داری، ضد دیکتاتوری، انسان‌دوستی، کارگر دوستی، دفاع از حقوق کودک، سکولاریسم، ضدیت با مذهب، مدرنیسم، دفاع از حقوق برابر زن و مرد، حقوق ملیت‌های مختلف و امثال اینها در میان بخش‌های مختلف مردم در جامعه موج می‌زد. اینها تمام آن چیزهایی است که حکومت اسلامی با آن شدیداً دشمنی دارد و جامعه ضدیتش با جمهوری اسلامی را با دفاع از این ارزش‌ها

نشان داده و می‌دهد. شعارهای اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان زنان و دانشجویان بازتاب این جهت‌گیری‌هاست. برای نمونه منزلت معیشت حق مسلم ماست، حقوق‌های نجومی فلاکت عمومی، سرمایه‌دار مفت‌خور نمی‌خواهیم، اگر که من نبودم تو اون بالا نبود و صدها شعار دیگر که در اعتراضات هر روزه سر داده می‌شود و بیانی‌ها و پیام‌های چپ و پیشرو تشکل‌ها و فعالین جنبش‌ها، گویای فضای رادیکال و چپ جامعه است. این یعنی حرکت جامعه صد و هشتاد درجه در همه زمینه‌ها در تقابل با جمهوری اسلامی است.

احزاب و جریان‌ها راست چه سلطنت‌طلب و یا جمهوری‌خواه و اسلامی و غیره هیچ کدام به هیچ‌کدام از این ارزش‌ها و خواست‌ها کوچک‌ترین ربطی ندارند. تمام هویت و ارزش‌ها و سنت‌هایشان درست برعکس این نوع ارزش‌هاست. همه این جریان‌ها حتی با نفس انقلاب مردم از پایین برای سرنگونی حکومت ماهیتاً مخالف‌اند. ولی وقتی که انقلاب گر می‌گیرد به‌ناچار طرف‌دار انقلاب می‌شوند. کار دیگری نمی‌توانند بکنند.

باتوجه‌به این توضیح می‌خواهم بگویم که فضای جامعه بیانگر دست بالا داشتن گرایش چپ و سوسیالیستی است و چنین فضایی به طور



در تدارک سالگرد انقلاب تدوین شده بر مبنای مصاحبه برنامه سازمانده با حمید تقوایی (برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

شهلا دانشفر: در این روزها فراخوان‌های بسیاری به مناسبت سالگرد انقلاب منتشر شده است. از جمله امجد امینی پدر ژینا امینی اعلام می‌کند مراسم سالگرد را برگزار می‌کنیم و می‌گویید مهسا فرزند همه مردم است. همین‌طور شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی بیانیه و فراخوان می‌دهد، دادخواهان فراخوان می‌دهند، رنگین‌کمانی‌ها فراخوان می‌دهند. همه در تدارک یک اعتراض گسترده هستند. اولین سؤال من این است که در مورد این موج فراخوان‌ها به مناسبت سالگرد انقلاب چه صحبتی دارید و فراخوان شما چیست؟

حمید تقوایی: بله جمهوری اسلامی این روز را به یک بهانه مذهبی تعطیل اعلام کرده؛ ولی اساساً و به طور واقعی تعطیلی حکومتی در این روز به خاطر هراس و ترس حکومت از اعتصابات عمومی مردم است. این روز را تعطیل اعلام کرده‌اند تا به خیال خودشان حرکت اعتراضی مردم را خنثی کنند. منتهی از دو جنبه مهم اقدام مردم کاملاً نقطه مقابل سیاست جمهوری اسلامی است. اولاً این روز را در بزرگداشت مهسا و همه جان‌باختگان انقلاب یک سال اخیر و همه جان‌باختگان در طی حکومت منحوس جمهوری اسلامی، مردم تعطیل می‌کنند. توقف چرخ‌ها به احترام جان‌باختگان و علیه قاتلین این عزیزان.

ثانیاً ما از توقف همه چرخ‌ها صحبت می‌کنیم. تعطیلی حکومت به ادارات و کارخانجات محدود است. شرکت‌ها و مؤسسات، وسایل نقلیه، کامیون‌ها، اتوبوس‌ها، متروها، و مغازه‌ها اینها مشمول تعطیلی حکومتی نمی‌شوند. فراخوان ما این است که همه جامعه دست از کار بکشند. هدف ما یک اعتصاب و تعطیلی عمومی و سراسری به یاد و احترام مهسا و سایر جان‌باختگان است و این توقف همراه است با اعتراضات خیابانی و در جهت پیوستن بخش هرچه وسیع‌تری از جامعه به این اعتراضات.

توجه دارید که در شرایط حاضر مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل است و برای این بخش جامعه اعتصاب و تعطیلی موضوعیتی ندارد. برای جنبش بازنشستگان و یا جنبش بی‌حجابی و دادخواهی نیز معنائی ندارد. اما اینها یک نیروی اصلی تظاهرات‌ها و تجمعات خیابانی هستند. بحث ما این است که در ۲۵ شهریور همه کارکنان و کارمندان، همه کارگران در مراکز تولیدی و خدماتی، همه مغازه‌داران و در یک کلام همه شاغلین دست از کار بکشند و در کنار بازنشستگان، در کنار دانشجویان، در کنار دانش‌آموزان، و در کنار معلمان به خیابان‌ها بیایند. به این ترتیب می‌توانیم با قدرت تمام و در یک سطح سراسری خیابان‌ها را تسخیر کنیم.

این دو جنبه یعنی تسخیر خیابان‌ها و توقف چرخ‌ها به نظر من خصلت‌نمای روز ۲۵ شهریور است و با تمام توان باید بکوشیم آن را عملی کنیم.

ادامه در صفحه ۸

شهلا دانشفر: در این روزها فراخوان‌های بسیاری به مناسبت سالگرد انقلاب منتشر شده است. از جمله امجد امینی پدر ژینا امینی اعلام می‌کند مراسم سالگرد را برگزار می‌کنیم و می‌گویید مهسا فرزند همه مردم است. همین‌طور شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی بیانیه و فراخوان می‌دهد، دادخواهان فراخوان می‌دهند، رنگین‌کمانی‌ها فراخوان می‌دهند. همه در تدارک یک اعتراض گسترده هستند. اولین سؤال من این است که در مورد این موج فراخوان‌ها به مناسبت سالگرد انقلاب چه صحبتی دارید و فراخوان شما چیست؟

حمید تقوایی: این جنب‌وجوش و تحرک سراسری بسیار شورانگیز و امیدبخش است. ما از همه فراخوان‌هایی که اشاره کردید حمایت می‌کنیم و از همه فعالین و نیروهای آزادی‌خواه می‌خواهیم که به این فراخوان‌ها بپیوندند.

آنچه ما بر آن تأکید داریم و به اشکال مختلفی هم بیان کرده‌ایم اساساً دو نکته است: اول اینکه روز ۲۵ شهریور باید کار تعطیل شود. این روز باید همه چرخ‌ها متوقف بشود. به احترام مهسا و مهساها باید جامعه دست از کار بکشد و یاد این عزیزان را بزرگ بدارد. دوم اینکه باید با مشت‌های گره‌کرده به خیابان‌ها آمد. "توقف چرخ‌ها و تسخیر خیابان‌ها!" این شعار و راهکاری است که ما پیشنهاد می‌کنیم.

به نظر من در یک سطح عمومی ویژگی سالروز انقلاب و سالگرد جان‌باختن مهسا می‌تواند و باید این باشد که در این روز تمام چرخ‌ها از حرکت باز ایستند - چرخ کارخانجات و قطارها و اتوبوس‌ها و متروها و کامیون‌ها -، مغازه‌ها همه بسته شوند، مراکز کار تعطیل شوند، ادارات و شرکت‌ها و مؤسسات همه دست از کار بکشند چرا که این روز، روز بزرگداشت مهسا و مهساها و روز بزرگداشت انقلاب ما است؛ و روز انفجار خشم جامعه است علیه قاتلین این عزیزان در همه شهرهای ایران.

طبعاً تحقق هر یک از این دو جنبه در گرو فعالیت و اقدامات معین و پیگیر و فشرده‌ای از جانب فعالین و دست‌اندرکاران و سازمان‌دهندگان جنبش‌های اعتراضی است. اعم از جنبش بازنشستگان، جنبش کارگری، جنبش دادخواهی، جنبش زنان که در شکل مشخص بی‌حجابی به میدان آمده است، جنبش دانشجویی و دیگر جنبش‌های اعتراضی. امیدوارم فعالین و دست‌اندرکاران این جنبش‌ها با من هم‌عقیده باشند که برای سازماندهی و تدارک عملی شعار "توقف چرخ‌ها و تسخیر خیابان‌ها" باید با تمام توان تلاش کرد.

در تدارک سالگرد انقلاب

از صفحه ۷

فکر کنم بعد از تجربه موفق اعتصابات در کردستان امروز دیگر باید روشن باشد که این دوستان کاملاً اشتباه می‌کنند. اعتصاب آلترا تیبو تظاهرات و تجمعات اعتراضی نیست. به‌ویژه در این شرایط وقتی کسی از اعتصاب صحبت می‌کند منظورش این نیست که بروید خانه بنشینید!

همیشه اعتصاب در ایران همراه بوده با تجمعات و تظاهرات و راهپیمایی‌ها. این را کارگران اعتصابی فولاد نشان دادند، کارگران هفت‌تپه نشان دادند، کارگرانی که اعتصاب کردند و خیابان‌ها را در اختیار خودشان گرفتند. کارگرانی که اعتصاب را تبدیل کردند به مارش خیابانی و به تجمعات در میادین شهرها و در جلوی کارخانه‌ها. امروز در شرایط انقلابی خیلی بیشتر می‌شود این انتظار را داشت و این واقع‌بینانه و کاملاً قابل انتظار است که اعتصاب‌کنندگان به خیابان‌ها بیایند، و به صفوف تظاهرات بیوندند.

مشخصاً تا آنجا که به‌روز ۲۵ شهریور برمی‌گردد باید این را هم اضافه کنم که تعطیلی عمومی فقط علامت اعتراض نیست. علامت بزرگداشت و احترام هم هست. تعطیل عمومی در روز جان‌باختن مهسا یعنی دست از کار کشیدن در بزرگداشت و احترام به جان‌باختگان انقلاب و به جان‌باختگان در تمام طول عمر منحوس جمهوری اسلامی. به این معنا تعطیل عمومی ادای احترام است، منتهی در جمهوری اسلامی ادای احترامی که با خشم و تعرض علیه قاتلین این عزیزان همراه است. این روز به نظر ما باید به‌عنوان تعطیل رسمی در تقویم ایران ثبت شود و حتی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی این روز را به‌عنوان روز بزرگداشت جان‌باختگان باید همچنان گرامی داشت.

تا وقتی این حکومت بر سر کار است این روز ادای احترام به جان‌باختگان همراه است با اعتراض کوبنده توده‌ای و سراسری علیه قاتلین این عزیزان. به این معنا هم اعتصاب و تعطیلی عمومی در این شرایط نه‌تنها عقب‌تر از تظاهرات نیست؛ بلکه مکمل آن و موجب تقویت صفوف خیابانی مردم است.

شهلا دانشفر: روشن است که شعارها و خواسته‌ها اساساً مضمون و محتوای انقلاب و اعتراض را بیان می‌کند. باتوجه‌به این نکته مهم شما مشخصاً چه نظری در مورد شعارها و خواسته‌ها دارید؟

حمید تقوایی: خوشبختانه انقلاب در این یک سالی که ادامه داشته خواسته‌ها و اهداف خودش را خیلی روشن و شفاف اعلام کرده است. از جمله در منشور ۱۲ ماده‌ای به امضای بیست تشکل. تشکل‌های صنفی و مدنی تحت نام خواسته‌های حداقلی این منشور را منتشر کردند؛ ولی در واقع این مانیفست انقلاب است. این منشور پلاتفرم و صدای انقلاب زن زندگی آزادی است. این منشور یک محور کار است؛ ولی بیانیه‌های دیگری هم داریم مثل بیانیه مطالبات پیشرو زنان که با امضای فعالین جنبش آزادی زن در روز جهانی زن منتشر شد و یا بیانیه‌هایی که از جانب دانشجویان منتشر شده، از طرف معلمان مطرح شده، از جانب جنبش دادخواهی و یا از طرف کارگران نفت داده شده. آنها هم بخش‌هایی از خواسته‌های انقلاب را اعلام می‌کنند. ولی اساساً آن پلتفرمی که به نظر جامع است و خواسته‌های همه بخش‌های مردم را پوشش می‌دهد و صریح و روشن بیان می‌کند بیانیه بیست تشکل است. ما از همان روزی که این بیانیه منتشر شد فعالانه از آن حمایت کردیم و جا دارد و لازم است که این بیانیه و مضمون خواسته‌هایش تبدیل شود پرچم جنبش‌ها و اعتراضات مختلف.

امیدوارم تشکل‌های امضاکننده این بیانیه باز هم در کنار هم ظاهر شوند و در سالگرد انقلاب بر خواسته‌ها و مضمون منشور زن زندگی آزادی یکبار دیگر تأکید کنند و همه را به حمایت از آن فراخوانند. همچنین فراخوانم به همه دست‌اندرکاران و همه فعالین جنبش‌های اعتراضی این است که در پیام‌هایشان، در بیانیه‌هایشان، در مدیای اجتماعی و رسانه‌ها این منشور را مورد حمایت قرار بدهند، از آن نام ببرند و مردم را فراخوانند که به این منشور بیوندند.

شهلا دانشفر: این نکته‌ای که شما توضیح داد به‌نوعی در فراخوان دادخواهان هم آورده شده. می‌گویند کارهایمان را تعطیل می‌کنیم و مزار و محل کشته‌شدن عزیزانمان را گل‌باران می‌کنیم و بعد فراخوان می‌دهد که به خیابان می‌آییم و این روز را به‌روز اعتراض سراسری، به‌روز دادخواهی تبدیل می‌کنیم. همچنین در کردستان فراخوان اعتصاب عمومی، تعطیلی، و راهپیمایی اعتراضی تا مزار مهسا امینی داده شده. در اطلاعیه حزب هم به اعتصاب عمومی در کردستان تأکید می‌شود. سؤال اینجاست که آیا تأکید بر اعتصاب عمومی یک اقدام فراتری را در کردستان در دستور می‌گذارد؟

حمید تقوایی: شرایط کردستان به‌خاطر ویژگی‌هایی که دارد بسیار آماده‌تر است. ما انتظار داریم که این فراخوان‌ها بخصوص در کردستان در یک سطح وسیعی عملی شود. ولی روشن است که فراخوان ما و فراخوان فعالین دیگری که اشاره کردید صرفاً به کردستان محدود نیست. تعطیل عمومی و توقف چرخ‌ها امری است سراسری. در این میان کردستان ویژه است؛ چون اعتصاب سراسری در این استان سابقه دارد و مردم تجربیات گران‌بهایی در این زمینه دارند.

اگر تاریخ قبل از این انقلاب را کنار بگذاریم، در دل همین انقلاب سه بار شهرهای کردستان دست به اعتصاب سراسری زدند. البته بعضی شهرها در مقاطع دیگری هم اعتصاب کردند؛ ولی در یک سطح سراسری در کردستان سه بار اعتصاب شکل گرفت، مغازه‌ها بسته شدند و همه دست از کار کشیدند. حزب ما هم یکی از فراخوان‌دهندگان این اعتصابات بود و بخصوص در دو مورد نقش مهمی داشت. این بار هم انتظار می‌رود که در یک سطح گسترده این امر عملی بشود.

ولی در حال حاضر تمام شهرها از زاهدان تا تهران و از مشهد تا تبریز و اصفهان می‌توانند به این حرکت بیوندند. روز مهسا، روز ۲۵ شهریور، یک روز سراسری است و به این اعتبار از همه عزیزان در همه شهرها، از فعالین جنبش‌ها در همه شهرها، انتظار می‌رود که تدارک بییند و خودشان را آماده کنند برای تعطیلی عمومی، برای اعتصاب عمومی و برای سازماندهی تجمعات، تظاهرات‌ها، و مراسم‌ها بر سر مزار عزیزان.

همانطور که اشاره کردید خوشبختانه، سازمان‌ها، تشکل‌ها، و نهادهای مبارزاتی مختلفی بر همین مبنا فراخوان داده‌اند و دارند در کردستان و خارج از کردستان خودشان را آماده می‌کنند. حزب ما هم کاملاً از همه این فراخوان‌ها پشتیبانی می‌کند. در اینجا به‌ویژه باید به فراخوان شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی که بیش از ۵۰ تشکل دانشجویی و دانش‌آموزی و جوانان محلات را در بر می‌گیرد تأکید کنم. این شبکه تا کنون نقش مؤثری در تدارک و سازماندهی تظاهرات و تجمعات خیابانی داشته است و امیدوارم این بار هم فراخوانش با استقبال روبرو شود. حزب ما نیز به نوبه خود تمام نیرویش را به کار می‌گیرد برای اینکه این روز هر چه باشکوه‌تر و رزمنده‌تر برگزار بشود.

شهلا دانشفر: اجازه بدهید دوباره برگردیم به همین شعار "۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخ‌ها و تسخیر خیابان‌ها". شما در این مورد مفصلاً توضیح دادید. اما سؤال این است چه رابطه‌ای بین این دو حرکت وجود دارد؟ چون بعضی‌ها فکر می‌کنند که اعتصاب در مقایسه با اعتراضات خیابانی تاکتیک عقب‌مانده‌تری است و جوابگو نیست. پاسخ شما به این موضوع و نظریه چیست؟

حمید تقوایی: این نظریه که اعتصاب عقب‌تر از تظاهرات است را قبلاً هم شنیده‌ایم. در همان مواردی که مشخصاً حزب ما فراخوان داد برای اعتصاب در کردستان، همین نوع نظریات مطرح شد. می‌گفتند درحالی که مردم در تظاهرات هستند چرا فراخوان اعتصاب می‌دهید؟ معتقد بودند این عقب‌تر از سطح اعتراضات است.

در تدارک سالگرد انقلاب
از صفحه ۸

جنبش دادخواهی به این معنا قلب تپنده انقلاب و یک نیروی محرکه پیشروی‌های آن است.

در ۲۵ شهریور نه تنها در خیابان‌ها بلکه بر سر مزار عزیزان خود نیز تجمع کنیم، یاد این عزیزان جان‌باخته را بزرگ بداریم و غم و رنجمان را تبدیل کنیم به فریاد خشم و اعتراض علیه حکومت قاتل این عزیزان.

در مورد جنبش بازنشستگان باید بر این تأکید کنیم که این جنبشی. ادامه‌دار و سازمان‌یافته و رادیکال است. این جنبش در شرایط افت نسبی تجمعات خیابانی با تجمعات سراسری خود خیابان را زنده و فعال نگاه داشته است. همچنین امروز جنبش بازنشستگان با اعتراض به فقر و گرانی و با شعار اتحاد و "مردم به ما ملحق شوید" نقش مهمی در روند انقلاب ایفا می‌کند. امیدوارم فعالین جنبش بازنشستگان فراخوان‌ها و پیام‌های مشترکی با فعالان جنبش‌های دیگر بدهند و آنها را با خود همراه کنند. این می‌تواند یک گام بزرگ به جلو نه فقط برای جنبش بازنشستگان، بلکه برای همه جامعه ایران باشد.

در مورد جنبش بی‌حجابی باید بگوییم که این جنبش امروز تبدیل شده به یک رکن مهم انقلاب. انقلاب جاری به اسم انقلاب زنانه معروف است و جنبش بی‌حجابی یعنی جنبش علیه هر نوع تبعیض نسبت به زنان؛ یعنی جنبش علیه آپارتاید جنسیتی که زنان قربانی آن هستند و علیه بی‌حقوقی فاحشی که جمهوری اسلامی به ۵۰ درصد جامعه تحمیل کرده است.

امروز جنبش بی‌حجابی خاری در چشم حکومت است؛ چون پایه‌های ایدئولوژیک و هویتی جمهوری اسلامی را کاملاً به لرزه درآورده است. بی‌دلیل نیست که جمهوری اسلامی اعلام کرد حجاب خاکریز اول است و امروز چنین درمانده و درهم‌ریخته نمی‌داند در برابر زنان بی‌حجاب چه بکند. این خاکریز فتح شده است و ما باید با گسترش بی‌حجابی این دستاورد را تثبیت کنیم.

۲۵ شهریور می‌تواند نقطه عطفی در جنبش بی‌حجابی باشد. در این روز همه‌جا بی‌حجاب در خیابان‌ها ظاهر بشویم. یک شعار و فراخوان حزب ما برای ۲۵ شهریور "بی‌حجابی همگانی به یاد مهسا" است. امیدوارم بخش‌های وسیعی از زنان به آن جواب مثبت بدهند و در خیابان‌ها بی‌حجاب ظاهر شوند.

این جنبش‌ها به نظر من می‌توانند دست در دست هم و در کنار هم در سالگرد انقلاب به میدان بیایند. با مجموعه این حرکات اعتراضی جامعه می‌تواند با تمام قدرت بر سر پا بایستد و نقطه اوج دیگری را در روند انقلاب زن زندگی آزادی رقم بزند.

۷ سپتامبر ۲۰۲۳، ۱۶ شهریور ۱۴۰۲

شهلا دانشفر: نکته دیگر نقش جنبش‌هایی که در حال حاضر بسیار فعال هستند در سالگرد انقلاب است. منظوم به‌ویژه جنبش بی‌حجابی، جنبش دادخواهی، جنبش بازنشستگان، و اعتراضات مداوم مردم زاهدان است که حتی در همین ۱۶ شهریور تظاهرات خیابانی داشتند. اینها در سالگرد چه نقشی می‌توانند ایفا کنند و پیام شما به فعالین این جنبش‌ها که در واقع کانون‌های داغ اعتراض هستند چیست؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید با مبارزات مردم زاهدان شروع کنیم. می‌دانید که بعد از جمعه سیاه به طور تعطیل‌ناپذیری همه جمعه‌ها مردم زاهدان در خیابان‌ها بودند و بسیار کوبنده علیه جمهوری اسلامی اعتراض می‌کردند. فراخوان من به فعالین اعتراضات در شهر زاهدان و در کل استان سیستان بلوچستان این است که تظاهرات جمعه ۲۴ شهریور را در روز شنبه ۲۵م هم ادامه بدهند. شنبه هم می‌تواند؛ مانند همه جمعه‌هایی که مردم زاهدان در خیابان بودند، به‌روز تظاهرات و اعتراض عمومی تبدیل بشود. مردم قهرمان زاهدان می‌توانند در ۲۵ شهریور دست از کار بکشند و همراه و دوش بدوش همه مردم ایران این روز را به یک روز اعتراض کوبنده تبدیل کنند.

از جنبش دادخواهی نام بردید. این جنبش به‌خاطر سابقه طولانی در مقابله با جنایت‌های رژیم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. جنبش دادخواهی از دهه ۶۰ علیه نسل‌کشی حکومت در آن دوره پا گرفت. مادران خاوران پیش‌کسوتان این جنبش هستند و در مراحل بعدی مادران آبان، و انجمن خانواده‌های قربانیان شلیک به هواپیما نیز به این حرکت پیوستند. امروز این جنبش خانواده‌های جان‌باختگان در انقلاب جاری را نیز در بر می‌گیرد و گسترده‌تر و فعال‌تر از همیشه به میدان آمده است.

در شرایط حاضر و در آستانه سالگرد انقلاب از نظر تاکتیکی و عملی هم جنبش دادخواهی اساساً بسیار تأثیرگذار و مهم است به‌خاطر اینکه روزهای سالگرد جان‌باختن این عزیزان تبدیل خواهد شد به نبض پر تپش انقلاب. این از حالا روشن است. به همین خاطر هم جمهوری اسلامی از هم اکنون به مزارها حمله کرده، سنگ قبرها را شکسته، دور گورستان‌ها حصار کشیده، و خانواده‌های عزیزان جان‌باخته را با زداشت و تهدید کرده است. می‌دانند که با سالگرد انقلاب زنجیره مراسم‌های سالگردها آغاز خواهد شد. صدها نفر را جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده و این عزیزان فراموش نشده‌اند. خانواده‌های جان‌باختگان و فعالین جنبش دادخواهی فراخوان دهندگان و سازمان‌دهندگان این مراسم‌ها هستند.



بیانیه هشت تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی به مناسبت یک سالگی

انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و سالروز قتل مهسا امینی

خیابان بیابیم و این روز را بهروز اعتراض سراسری خود تبدیل کنیم. بر مزار مهسا امینی جمع شویم و یاد او را گرامی بداریم. با گرامیداشت یاد تک تک جانباختگان و با بلندکردن فریاد دادخواهی، شعار "زن، زندگی، آزادی" را هر چه رساتر سر دهیم و با اعلام اعتصاباتمان شروع دوباره‌ای را رقم بزنیم.

ما همچنین ضمن تأکید بر توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام، آزادی فوری همه بازداشت‌شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی، منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل را همچنان منشور اتحاد مردمی در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" می‌دانیم. به‌دور این منشور متحد شویم.

در تاریخ مبارزات جهانی علیه مواردی از تبعیضات و نابرابری‌ها، نقاط عطف‌ها، برآمدها و وقایع تعیین‌کننده‌ای مانند فراخوان به اعتصاب کارگران آمریکا در روز اول می ۱۸۸۶ با خواست ۸ ساعت کار در روز و اعتصاب ۸ مارس ۱۸۵۷ زنان کارگر نساجی نیویورک علیه تبعیض در پرداخت دستمزد میان زنان و مردان رخ داده‌اند و این روزها در تقویم جهانی به‌عنوان روز جهانی کارگر و روز جهانی زن تعطیل عمومی اعلام و به ثبت رسیده‌اند.

با قدرت مبارزیمان ۲۵ شهریور سالروز انقلاب زن زندگی آزادی را بهروز تعطیل عمومی هر ساله خود و در فردا روز تبدیل خواهیم کرد.

امضاکنندگان: شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، ندای زنان ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری، سندیکای نقاشان البرز، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

شهریور ۱۴۰۲

دوباره به خیابان می‌آییم، فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ مهسا امینی توسط مأموران گشت ارشاد نیروی انتظامی به قتل رسید و قتل این زن جوان سرآغاز انقلابی عظیم و انسانی علیه هرگونه تبعیض و نابرابری جنسی، جنسیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قومی و مذهبی گردید.

انقلاب "زن، زندگی، آزادی" ایران به‌خاطر ویژگی‌های ذکر شده خیلی سریع مورد حمایت بشریت آزادی‌خواه و مترقی در سراسر جهان قرار گرفت تا حدی که دولت‌های مامشاتگر غربی مجبور به تغییر لحن شدند و انقلاب مردم ایران را به رسمیت شناختند.

انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برآمد بیش از چهل سال مبارزات مردم ایران علیه فقر، تنگدستی و انواع تبعیضات، به‌ویژه تبعیض جنسی، جنسیتی و تمام سنن و قوانین ارتجاعی ضد زن است که در این راه ده‌ها هزار انسان معترض و آزادی‌خواه در زندان‌ها و در دیگر میدان‌های مبارزاتی توسط حکومت به قتل رسیده‌اند.

انقلاب "زن، زندگی، آزادی" یک واقعه و حرکت تحول‌ساز در تاریخ مبارزات جهانی علیه همه تبعیضات و نابرابری‌ها است و به همین خاطر مورد حمایت هر انسانی که به هر گوشه‌ای از تبعیضات موجود معترض است، قرار گرفته است.

ما تشکل‌های امضاکننده این بیانیه اعلام می‌داریم که روز ۲۵ شهریور، روز به‌قتل‌رسیدن مهسا امینی، تاریخ شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است.

۲۵ شهریور یاد مهسا امینی نماد انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و یاد همه جانباختگان راه آزادی طی ۴۴ سال گذشته را گرامی بداریم. وسیعاً به

زن زندگی آزادی

سالروز قتل
مهسا امینی
دوباره به خیابان می‌آییم

فقط کف خیابون
بدست میاد
حقمون

بیانیه تشکلهای به مناسبت یک سالگی انقلاب



تداوم پیروزمند جنبش‌های انقلابی در گرو اتحاد و سازمان‌یابی است!

شرکت در پیکار سیاسی، برای رهایی خود و دیگر زحمت‌کشان و توده‌های ستمدیده وارد میدان شوند.

آری رژیم سرمایه‌داری اسلامی به‌رغم کشتار و اعدام صدها جوان، زن و مرد آزاده و زندانی کردن ده‌ها هزار نفر معترض بجان آمده، نتوانست که به طور کامل بر اوضاع کشور مسلط شود. افزون بر اینها مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز در این یک سال وضعیتی بحرانی‌تر پیدا کرده است؛ بنابراین به جرئت می‌توان مدعی شد که زمینه برای انواع جنبش‌های اجتماعی در حال قوام گرفتن و مهیاشدن است و برای رشد و اعتلای جنبش و فعلیت بخشیدن به نیروهای بالقوه تحول و تغییر انقلابی، آنچه موردنیاز است عبارت است از: بسط آگاهی و ایجاد تشکل، جرئت و جسارت همراه باتدبیر و دوراندیشی و همبستگی و اتحاد با اعتراضات بحق گوناگون در سراسر کشور. تنها با چنین راهبرد و چنین راهکاری است که شیشه عمر نظام حاکم به سنگ خواهد خورد و پرتو آزادی از ورای ابرهای تیره، دیوارهای بلند و پرده‌های مانعی که نظام حاکم در مقابل آن ایجاد کرده، فروغ شادی‌بخش و زندگی‌آفرین خود را خواهد افشاند.

باید توجه داشت که علاوه بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ای که پیش‌ازین منجر به اعتراضات و خیزش‌های اجتماعی گردیدند و هم اکنون به قوت خود باقی هستند، سیاست‌های رژیم هر روزه مشکلات و مسائل جدیدی در برابر مردم ایجاد می‌کنند که اوضاع را پیچیده‌تر و غیرقابل تحمل‌تر می‌نمایند. تلاش‌های داخلی و بین‌المللی رژیم که روز و شب آنها را با بوق‌وکرنا و بدون وقفه، از دستگاه‌های تبلیغاتی خود پخش می‌کند، صرفاً اقداماتی برای نجات طبقه حاکم و تداوم سلطه او هستند و هیچ بهبودی در شرایط زندگی توده‌های مردم ایجاد نخواهند کرد. بهبود و رفاه مردم در گرو آزادی از شرایط ستم و استثمار حاکم در ایران است.

بنابراین، برای موفقیت در تغییر بنیادی جامعه و ساختار سیاسی نیازمند آن هستیم که صفوف خود را بازاریابی و همبستگی و اتحاد میان خود را تقویت کنیم. از همین رو ما با اتحاد و همدلی با یکدیگر و تمام توده‌های زیر ستم در کشور، فشارهای امنیتی و صدور احکام علیه معلمان، فعالان کارگری، دانشجویان و زنان به‌ویژه زندانی کردن زنان و مردان فعال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مدنی و اقلیت‌های مذهبی را محکوم می‌کنیم و باور داریم که تنها راه مقابله با حملات حاکمیت، بسط آگاهی، تشکلیابی و سازماندهی، اتحاد و گسترش مبارزه در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه سیاسی است.

۹ شهریور ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

گروه اتحاد بازنشستگان، کارگران بازنشسته خوزستان

در شهریورماه ۱۴۰۱ حماسه بزرگی برای مردم زحمت‌کش ایران رقم خورد. ما آن روزهای بزرگ را گرامی می‌داریم. زنده می‌داریم یاد دختران و پسران جوان، زنان و مردانی که برای خواست‌ها و حقوق سرکوب شده خود، مبارزه با ستم سرمایه‌داری و استبداد دینی را استمرار بخشیدند. همچنین یاد و خاطره مهسا (ژینا امینی) و خیزش انقلابی زن زندگی آزادی را فراموش نمی‌کنیم. جنبش «زن، زندگی، آزادی» خیزشی انقلابی بود که روینای سیاسی، حقوقی و فرهنگی رژیم را به طور رادیکال به چالش کشاند و به‌راستی بر بستر شرایطی شکل گرفت که در تداوم جنبش‌های اعتراضی پیشین به‌ویژه جنبش اعتراضی ۹۶، ۹۸ و اعتراضات سال ۱۴۰۰ فصل نوینی از فعالیت‌ها و اعتراضات را علیه حاکمیت ستم و سرکوب، زنده کرد و تکامل بخشید.

خیزش «زن زندگی آزادی» نابرابری جنسیتی و ملیتی را در همه جای کشور به‌ویژه در رابطه با کردستان و بلوچستان به طور کامل برای مردم ایران آشکار ساخت و نشان داد که این ستم‌ها با ماهیت نظام حاکم درهم آمیخته است و باید گفت با استثمار طبقه کارگر در ایران درهم تنیده است. این خیزش انقلابی خواست‌ها و شعارهایی را مطرح کرد که تحقق آنها با نفی شرایط موجود امکان‌پذیر است. آن خواست‌ها و شعارها برخاسته از واقعیات زندگی مردم زیر ستم و استثمار بود و هست. شعارهای توده‌های معترض در واقع انعکاسی از درد رنج اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ای بود که محصول حاکمیت مفت‌خواران، غارتگران و آدم‌کشان سرمایه‌دار و دیوان‌سالاران و صاحب‌منصبان انتظامی، امنیتی و نظامی در هر شکل و لباسی است. ستم، سرکوب، تحقیر و اختناق که اکثریت بالای ۹۵ درصدی ساکنان کشور و به‌ویژه زنان جامعه ایران را در تمام عرصه‌های زندگی آماج یورش ارتجاعی و بیرانگر خود قرار داده است. از این رو طبیعی است که توده‌های وسیع زن و مرد، به‌ویژه جوانان و روشنفکران آزادی‌خواه و کارگران و زحمت‌کشان وارد مبارزه سیاسی با نظام حاکم و سلطه نکتب‌بار او گردند و با شرکت وسیع و مستقل خود در این عرصه، پیکره اصلی چنین تلاش آزادی‌بخشی و دوران‌سازی را تشکیل دهند.

با آنکه حاکمیت با همه سرکوبگری‌ها، کشتارها، بگیر و ببندها، فریبکاری‌ها و دسیسه‌های کوشیده و می‌کوشد که جنبش‌های اعتراضی و حق‌طلبانه توده‌های مردم را کاملاً درهم بشکند، اما به‌هیچ‌وجه موفق به این کار نگردیده و نخواهد گردید. زیرا نه‌تنها زنان، به‌ویژه زنان جوان، میدان مبارزه را خالی نکردند، بلکه جنبش دانشجویان و دانش‌آموزان و جنبش کارگری، دهقانان و بازنشستگان به حرکت رویارشد خود ادامه می‌دهند و چه‌بسا در هفته‌ها و ماه‌های آینده، شاهد برآمدی در جنبش اعتراضی و پیوستن بخش‌های وسیع‌تری از معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان، زنان، کارگران و روشنفکران به مبارزه باشیم. همچنین زمان آن فرارسیده است که توده‌های میلیونی کارگران - که واقعاً کارد به استخوانشان رسیده - به پا خیزند و با ایجاد صف مستقل و پیشرو و با



گروه اتحاد بازنشستگان



کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
Coordinating Committee to Help Form Workers' Organisation



تأمین ۱۳۸۷
بازگه‌های ۱۳۸۷

فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»

اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میادین اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل استان کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آیچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان

۶ شهریور ۱۴۰۲

فراخوان سراسری بمناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا(ژینا) امینی و سالگرد آغاز انقلاب زن زندگی آزادی!
مردم مبارز سراسر کشور! این جنگ، جنگ همه ما علیه جمهوری اسلامی است!

#فراخوان_۲۵_شهریور:

تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میادین اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت **مزار مهسا(ژینا) امینی** در آرامستان آیچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

فراخوان دهندگان:

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی

(شامل تشکل‌های دانشجویی، دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری جوانان و زنان)



زن، زندگی، آزادی

مردم مبارز سراسر کشور؛ «انقلاب زن زندگی آزادی»، انقلاب همه ما سرکوب‌شدگان علیه جمهوری اسلامی است!

فراخوان سراسری به مناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و سالگرد آغاز «انقلاب زن زندگی آزادی!» فراخوان ۲۵ شهریور

انقلابمان (انقلاب زن زندگی آزادی با اسم رمز مهسا/ژینا)، یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین انقلابات بشریت، در آستانه یک‌ساله شدن است. یک سالی که بر همه ما بسیار سخت گذشته؛ ما در کنار هم عزیزانی را از دست دادیم که یاد و خاطره و آرمان‌خواهی آنها در قلبمان همیشه زنده است.

در این یک سال لحظه‌به‌لحظه کنار هم بودیم و انقلاب و مبارزه را پیش برده‌ایم. رژیم اسلامی علی‌رغم همه جنایاتی که انجام داده؛ اما موفق نشده ما و انقلابمان را متوقف کند و حالا در آستانه یک‌ساله شدن «انقلاب زن زندگی آزادی» هستیم. بله، ما به‌عنوان سرکوب‌شدگان و بخش‌های تحت محرومیت، استثمار و سرکوب جامعه، مصمم‌تر از همیشه برای سرنگونی حکومت جنایت‌کاران و دزدان دوباره به میدان خواهیم آمد.

ما زنانی که برابر یکی از وحشی‌ترین حکومت‌های تاریخ بشریت ایستاده‌ایم، ما دانشجویان و دانش‌آموزانی که برای آینده‌ای بهتر آرام و قرار نداریم، ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و کادر درمانی که برای یک «زندگی» انسانی و مرفه برای همگان در حال مبارزه‌ایم، ما رنگین‌کمانی‌هایی که آزادی و حقوق انسانی برابر می‌خواهیم، ما خانواده‌های دادخواهی که به امید دادخواهی، باید به سمت نبرد آخرمان علیه این حکومت دزد، سرکوبگر و جنایت‌کار برویم!

برای همه ما، سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) ی ما که اسم رمز انقلابمان شد، فرامی‌رسد.

ما باید دگربار علیه کل موجودیت حکومت بچه‌کش و قاتل جوانانمان، قاتل امیدها و آرزوهایمان، بایستیم و فریاد «زن زندگی آزادی» سر بدهیم. بعد از یک سال مبارزه نفس‌گیر، دوباره به خیابان برمی‌گردیم.

در سالروز قتلی که کاسه صبرمان را لبریز کرد و سیل خروشان انقلاب را روانه خیابان‌های سراسر کشور کرد، برمی‌خیزیم و با اسم رمز «مهسا/ژینا»، دگربار لرزه بر تن متجاوزان و قاتلان می‌اندازیم.

از امروز تا روز ۲۵ شهریور؛ آمادگی برای تجمعات، فعالیت‌های میدانی، تبلیغات، سازماندهی شهری و محله‌ای برای حضور هر چه بیشتر مردم برای سالروز انقلابمان. فراخوان ما به‌عنوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» (تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان) رو به عموم جامعه در روز شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲:

تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات

بیانیه دادخواهان به مناسبت سالگرد انقلاب مهسا

۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است

بهروز ۲۵ شهریور اولین سالگرد مهسا امینی نزدیک می‌شویم. روزی که مهسا دختر جوان ما به‌سادگی توسط مأموران پلیس گشت ارشاد حکومت کشته شد و فیلم آخرین لحظات جان‌باختن وی خشم مردم به‌جان آمده را به انفجاری بدل کرد

به دنبال قتل مهسا اعتراضاتی شروع شد که مردم از آن به‌عنوان انقلاب مهسا (ژینا) یاد می‌کنند.

انقلابی که زندگی را طلب می‌کند و فریادش زن زندگی آزادی است.

امروز یک سال از قتل مهسا (ژینا) امینی که اسم رمز اعتراض به حق ما شد، می‌گذرد و پاسخ حاکمان به ما گلوله‌های آتشینی بود که صدها جان عزیزانمان را به کام مرگ کشاند و مجروحانی که چشم‌هایشان را از دست دادند.

و هزاران خانواده که به صف دادخواهان پیوسته‌ایم.

بازماندگانی که دیگر زندگی برایمان جز دادخواهی معنایی ندارد و هم اینک با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب مهسا دستگاه امنیتی سرکوبگر اقدام به دستگیری و زندان و تهدید دادخواهان کرده است.

درحالی که ما عزیزانمان را از دست داده‌ایم و دیگر حتی مرگ نیز برایمان هراسی ندارد و شاهد پاسخ مشترک و متحدانه خانواده‌های دادخواه به موج سرکوب جدید حاکمان بوده‌ایم که بین ما با تن بی‌جان جگرگوشه‌هایمان بر دوش و شما با زندان‌ها و شلاق‌ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی است:

قسم به خون یاران؛

ایستاده‌ایم تا پایان.

همچنین به همراه مردمی که هرگز تنهایمان نگذاشتند و با اشکال مختلف از ما حمایت و پشتیبانی کردند، توانستیم با هم صدایمان گوش دنیا را پر کنیم و اینک در نزدیکی اولین سالگرد روز مهسا شاهد صدور بیانیه‌ای از طرف سازمان عفو بین‌الملل بوده‌ایم که به فشارهای سیستماتیک واردآمده بر دادخواهان و ظلم‌هایی که در حق خانواده‌ها روا داشته می‌شود اشاره کرده و از اینکه حتی به سنگ مزار جان‌باختگان نیز رحم نمی‌کنند.

همچنین در بخشی از بیانیه فوق آمده:

باتوجه به نظام‌مند بودن مصونیت از مجازات در ایران، عفو بین‌الملل از همه دولت‌ها می‌خواهد که از صلاحیت قضایی جهانی استفاده کنند و برای مقامات ایرانی از جمله آنهایی که مسئولیت فرماندهی دارند، حکم بازداشت صادر شود."

این قدمی در راه نتیجه‌بخش بودن مبارزاتمان است و برای ما امیدبخش است.

ما می‌توانیم به قدرت اتحاد و همبستگی‌هایمان زندگی که از ما سلب کرده‌اند را از چنگال کثیف جنایت‌کاران سرکوبگرها سازیم و تمام آمرین و عاملین کشتارهای چندین ساله‌شان را به میز محاکمه و عدالت بکشانیم

۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است روزی که عزیزان ما به پاس زندگی و با اسم رمز مهسا به خیابان آمدند و فریاد "زن زندگی آزادی" سر دادند

ما نیز از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را بهروز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد.

کارهایمان را تعطیل می‌کنیم و مزار و محل کشته شدن عزیزانمان را گل‌باران می‌کنیم.

از همه انسان‌هایی که معنی زندگی را در آزادی می‌دانند می‌خواهیم با هر شکلی که می‌توانند این روز را بهروز اعتراض سراسری بدل سازند.

با سردادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جان‌باخته‌مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم.

دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جان‌باخته‌مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایت‌کاران قاتل برهانیم.

بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست.

از همه تشکلهای مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که روز مهسا را بهروز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم.

ما جز زندگی چیزی نمی‌خواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحادمان پیروز می‌شویم.

زنده باد انقلاب مهسا

دادخواهان

شهریور ۱۴۰۲

نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم

ایستاده‌ایم تا پایان.

محاکمه آمرین عاملین

زن زندگی آزادی

انقلاب مهسا



سرکوب و بازداشت فعالین مانع گسترش انقلاب مهسا نخواهد شد!

در شرایطی که روزهای سالگرد قتل مهسا امینی نماد انقلاب " زن زندگی آزادی " نزدیک می‌شویم که هر روز با طرح‌ها و برنامه‌های سرکوب و متوقف کردن سیل اعتراضات مردمی مواجه هستیم.

در روزهای گذشته شاهد هجوم گسترده مأموران امنیتی به منازل فعالین زنان در گیلان و دیگر فعالین در شهرهای کردستان بوده‌ایم و این در کنار بازداشت و تهدید خانواده‌های دادخواه، صدور احکام زندان و تعلیق دانشجویان و اساتید در دانشگاه‌ها و بگیر و ببندهای خیابانی برای مقابله با پی‌جایی‌های سراسری نشان از هراس حاکمیت از فضای سالگرد مهسا و دیگر جان‌باختگان در ماه شهریور می‌باشد.

در حالی که سیاست چندین دهه سرکوب و کشتار نتوانسته از پیشروی جنبش اعتراضی مردم ایران جلوگیری کند.

جنبشی که هر روز بیش از پیش یک زندگی شاد و آزاد و مرفه را حق خود می‌داند و حاضر به تمکین از سیاست‌های ضدانسانی حاکم نیست.

زنان، کارگران، بازنشستگان و همه طیف‌های جامعه با هم یک صدا شده و زن زندگی آزادی را فریاد می‌زنند.

ندای زنان ایران ضمن محکوم کردن بازداشت‌ها و سرکوب فعالین زنان در گیلان و دیگر فعالین در شهرهای مختلف اعلام می‌دارد: این جنبش سر باز ایستادن ندارد و ترفند سرکوب، زندان و کشتار نمی‌تواند انقلاب زن زندگی آزادی را از پیشروی باز دارد.

ندای زنان ایران

مرداد ۱۴۰۲

پیام ما به قاتلان مهسا "به عقب باز نمی‌گردیم"

در آستانه اولین سالگرد قتل مهسا (ژینا) امینی که سرآغاز انقلابی زنانه با رمز زن زندگی آزادی گردید، شاهد یورش مجدد گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها و موج وسیع برخوردهای خشونت‌بار سرکوبگران برای در هم شکستن اراده آهنین زنان در مقابل حجاب اجباری هستیم.

ون‌های گشت ارشاد این بار به همراهی نیروهای امنیتی و یگان ویژه و قاضی و ضابطان امنیتی در برابر مردم در خیابان‌ها صف آرایی کردند و گمان می‌بردند با چنگ‌و دندان نشان دادن به مردم می‌توانند سایه شوم آپارتاید جنسیتی حاکم را از نابودی برهانند.

و این در شرایطی است که شعله خشم مردم در برگزاری یادبودها و زادروز عزیزی که در طی انقلاب ژینا توسط همین مزدوران کشته شدند همچنان فروزان است و از سرکوبگرانی که نور چشمان جوانانمان را به تاریکی فروبردند منجریم.

در این شرایط شاهد خشم و بی‌زاری همگان در اولین لحظات خبر بازگشت قاتلان مهسا به خیابان‌ها و پخش فیلم دستگیری خشونت‌بار زنی در خیابان بودیم به طوری که محمد صادقی بازیگر تئاتر و سینما در لایو اینستاگرام از آرمان‌های زن زندگی آزادی و حق طلبی زنان جانانه دفاع کرد که منجر به یورش مزدوران سرکوبگر به منزل شخصی وی و دستگیری خشونت‌بار وی شد.

همچنین در روزهای گذشته ویدئوی زن جوانی به نام " پارمیدا شهبازی " در فضای مجازی پخش شد که در برابر نیروهای مزدور در خیابان قاطعانه فریاد می‌زند: " من یک زنم و اختیار پوشش حق من است ".

او هم در منزل خود به جرم حرمت‌شکنی ساختار ایدئولوژیک حاکم دستگیر شد.

در این روزها مردم شهرهای مختلف نیز از دستگیری زنان توسط گشت‌های ارشاد جلوگیری کردند و همراهی مردان و مقاومت و ایستادگی زنان خیابان را به صحنه کشاکش بین مردم و حاکمان بدل کرد و بار دیگر زنان نشان دادند هرگز به عقب باز نمی‌گردند و تا حصول همه آزادی و برابری و زندگی در شأن انسان به همراه همه مردم دست از مبارزه نخواهند کشید.

امروز مبارزه برای کسب حقوق برابر و حق ابتدایی پوشش اختیاری تنها موضوع زنان نیست و همه مردم از کارگر و بازنشسته و معلم و پرستار از وضعیت موجود به فغان آمده و در صدد آن هستند که زندگی و آزادی را از چنگال اختلاسگران دزد فاسد برهانند و برای ساختن دنیایی به دور از ظلم و تبعیض و نابرابری متحد دست در دست هم دهند.

زنده‌باد آزادی برابری

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

ندای زنان ایران

مرداد ۱۴۰۲



برای فراخوان ۲۵ شهریور؛ اولین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی آماده می‌شویم

ما افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس و کوپیر ایرانی همچون سالی که گذشت در کنار زنان، دانشجویان، کارگران و جوانان به مبارزه با این نظام ضدانسانی و هموفوب خواهیم پرداخت و همگام با جامعه، انسانیت، برابری و آزادی را مطالبه خواهیم کرد.

لیاقت ما فراتر از این شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و برای دستیابی به دنیایی بهتر و انسانی، آماده مبارزه متشکل و جمعی برای مبارزات خیابانی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی می‌شویم.

جمع‌ها و گروه‌های مبارزاتی شهر/محله خود را شکل دهید و آماده مبارزه و جدال نهایی باشید.

همه با هم هستیم

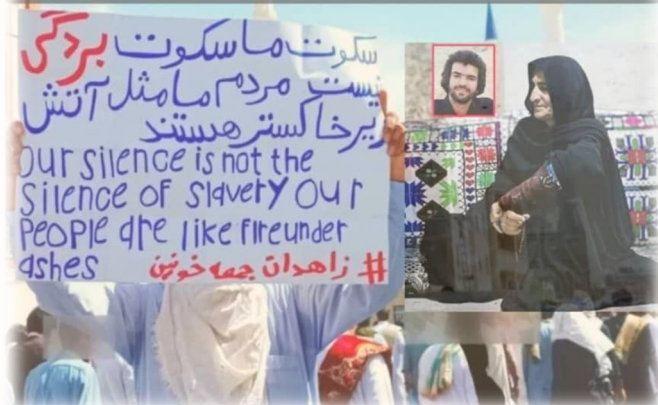
رنگین‌کمانی‌ها حامی برابری

زن زندگی آزادی



ما رنگین‌کمانی‌ها در سالروز انقلاب زن زندگی
آزادی، قدرتمندانه به میدان می‌آییم!

بیانیه دادخواهان سیستان و بلوچستان در سالگرد انقلاب "زن زندگی آزادی"



بیانیه دادخواهان سیستان و بلوچستان در سالگرد انقلاب "زن، زندگی، آزادی"

سالگرد قتل مهسا امینی اسم رمز انقلاب، یاد آور جمعه خونین سیستان و بلوچستان است.

قتل حکومتی مهسا، زینا امینی با موجی از اعتراضات در شهرهای مختلف همراه شد و فریادهایی علیه تبعیض، ظلم و فقر مطلق در سیستان و بلوچستان به رنگ خونین جمعه سیاه زاهدان در آمد.

سرکوب اعتراضات مردم بلوچستان آن چنان بی‌رحمانه و شنیع بود که منجر به کشته‌شدن بسیاری از مردم حتی کودکان و نوجوانان شد و بی‌خانمانی خانواده‌هایی را به همراه داشت که عزیزان و نان‌آوران‌شان وحشیانه در تیررس گوله‌های جنایت‌کاران حکومتی قرار گرفتند.

خشم مردم سیستان و بلوچستان، خشم مردم زاهدان تا آنجا شعله‌ور شد که ماه‌ها هر هفته جمعه شاهد جمعیت وسیعی از مردم هستیم که به دادخواهی کشته‌شدگان جمعه خونین به کف خیابان آمدند و فریاد کشیدند

"قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان"

و صدای انقلاب "زن زندگی آزادی" را در خیابان‌ها فریاد کشیدند.

پاسخ ما دادخواهان به همه ترفندهایی که تلاش می‌کند صدای دادخواهی مردم سیستان و بلوچستان را در گلو خفه سازد، همان است که همه دادخواهان در چند هفته اخیر در برابر سرکوب گسترده خانواده‌های دادخواه گفته شد

بین ما با تن بی‌جان جگرگوشه‌هایمان بر دوش و شما با زندان‌ها و شلاق‌ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی است:

قسم به خون یاران؛

ایستاده‌ایم تا پایان

ما به کمتر از محاکمه همه آمرین و عاملین کشتار عزیزانمان رضایت نخواهیم داد و همانطور که در کف خیابان فریاد زدیم:

از کردستان تا تهران اتحاد اتحاد

اینک نیز پاسخ متحدانه ما به سرکوبگران جنایت‌کار تنها "نه" می‌باشد

در سالگرد انقلاب یاد جان‌باختگان جمعه سیاه و خدانور و خدانورها را گرامی می‌داریم.

یاد سوخت‌بران جان‌باخته‌ای که به جای نان گوله نصیبشان شد و یاد همه جان‌باختگان انقلاب را گرامی می‌داریم.

همراه با دیگر خانواده‌های دادخواه و همه مردم در تمام شهرها به مبارزه بی‌امان خود ادامه می‌دهیم و فریاد می‌زنیم:

نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم.

۱۸ شهریور ۱۴۰۲

اطلاعیه‌های مربوط به سالگرد آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی

جمهوری اسلامی از همه چیز می‌ترسد

در هفته‌های گذشته و با نزدیک‌تر شدن به سالروز انقلاب، جمهوری اسلامی دامنه سرکوب را گسترش داده است. فعالین زیادی از طیف‌های مختلف را تهدید، احضار و یا دستگیر کرده است. می‌داند که جامعه انقلابی ایران بار دیگر دارد بلند می‌شود و موج‌های بلند انقلاب در راه است.

در دانشگاه‌ها شروع به اخراج گسترده‌تر استادان کرده است؛ چون علی‌رغم تصفیه‌های بی‌شمار از آنها می‌ترسد. دانشجویان زیادی را احضار کرده یا تهدید کرده است؛ چون از خیزش مجدد و سراسری آنها وحشت دارد. در شهری نیست که خانواده دادخواهی را دستگیر یا تهدید نکرده باشد؛ چون از تجمعات خانواده‌ها و مراسم‌های بزرگداشت جان‌باختگان می‌ترسد، حتی از قبر آنها می‌ترسد. در ادامه سال‌ها سرکوب وکلای معترض، مجلس اسلامی تصمیم گرفت صدور و تمدید پروانه وکالت را از اختیارات کانون‌های وکلا سلب کند و جلو وکلای مخالف و حق‌طلب را بگیرد. چون از دفاع وکلا از معترضین، حتی در چهارچوب قوانین خود حکومت، می‌ترسد. از مدیای اجتماعی و از رسانه‌ها از جمله خیلی از رسانه‌های مجاز داخل کشور می‌ترسد؛ چون همه‌جا پر است از نوشته‌ها و کلیپ‌های افشاگرانه و آگاهگرانه. از اظهارنظر نیمی از مقامات و آیت‌الله‌های خود می‌ترسد. حتی از نیروی سرکوب خودش می‌ترسد و کنترل شدیدی بر آنها اعمال کرده است. از بازنشسته و معلم و کارگر می‌ترسد؛ چون مطالبات بر حقیقتان مطالبات همه مردم است. از پزشک و پرستار می‌ترسد. از جوانان و دانش‌آموزان، از مردم گیلان و بلوچستان، کردستان و تهران، اصفهان و آذربایجان و فارس و کرمان می‌ترسد؛ چون فریاد می‌زنند ما همه با هم هستیم. از بی‌حجابی زنان بی‌حجاب می‌ترسد؛ چون بنیادهای حکومتش را لگدمال کرده‌اند. از خواننده و هنرپیشه و از تیم‌های ورزشی و ورزشکاران می‌ترسد. از تماشاگران هم می‌ترسد. از رقص و موسیقی و شادی می‌ترسد. از بازاریان و اعتصاب‌بشان می‌ترسد. گردشگاه‌ها و پاساژها را پلمب می‌کند؛ چون از حضور مردم می‌ترسد. از مراسم‌های محرمانه هم دیگر وحشت دارد. در واقع تماماً شبیه یک حکومت اشغالگر از هر جنبه‌های می‌ترسد، از همه چیز و همه کس بیگانه است و خود را در محاصره مردمی می‌بیند که در هر جا و هر لحظه‌ای منتظر فرصت برای اعتراض هستند.

دستگیری‌ها و سرکوب‌ها، تهدیدها و احضارها، مقررات و قوانین جدید مجلس اسلامی همه‌وهمه سیاست حکومتی در سراسری سقوط و وحشت‌زده است. حکومتی که انقلاب گلویش را گرفته است و مجبور است به همه چنگ بزند. این مختصات حکومتی است در بن‌بست، بدون هیچ راه‌حلی برای تخفیف ناراضی‌های، بحران‌ها، کمبودها. حکومتی که هر روز حلقه حکومتگرانش تنگ‌تر و کوچک‌تر می‌شود و خود را در مقابل توده‌های عظیم مردم و انقلاب‌بشان تماماً مستأصل می‌بیند.

حکومت اسلامی رفتنی است. علی‌رغم همه سرکوبگری‌ها قدرت ارباب ندارد، برعکس تک‌تک مقامات و سرکوبگرانش وحشت‌زده‌اند. اقتداری برایش نمانده است، برعکس از قدرت مردم وحشت‌زده است. در چنین شرایطی خود را هر چه بیشتر سازمان بدهیم، همبستگی‌مان را تقویت کنیم و یکپارچه برای سالروز انقلاب آماده شویم. روز ۲۵ شهریور همه‌جا را تعطیل کنیم و خیابان‌ها را بار دیگر به تسخیر خود درآوریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ شهریور ۱۴۰۲، ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخ‌ها و تسخیر خیابان‌ها است

خود را برای روزی قدرتمند علیه حکومت فرتوت اسلامی آماده کنیم. روز قتل مهسا (ژینا) را به‌روز تعطیل عمومی در سراسر کشور تبدیل کنیم و به تجمعات و تظاهرات‌های خیابانی بپیوندیم. شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی و ده‌ها تشکل دیگر فراخوان به تسخیر خیابان‌ها و شعارنویسی و پرفورمنس‌های اعتراضی داده‌اند. به این فراخوان‌ها بپیوندیم و همه‌جا شبکه‌ها و تشکل‌های خود را ایجاد کنیم. روز ۲۵ شهریور خیابان‌ها مال ما است.

در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی ما کارگران مراکز تولیدی و خدماتی، رانندگان کامیون، رانندگان اتوبوس و تاکسی و مترو، کارمندان ادارات، وکلا، کارکنان شرکت‌ها و مؤسسات، بازاریان و مغازه‌دارها، همه‌جا در بزرگداشت مهسا و مهساها دست از کار می‌کشیم و به همراه معلمان و دانشجویان و دانش‌آموزان و بازنشستگان با مشت‌های گره‌کرده به خیابان می‌آییم. ۲۵ شهریور روز توقف چرخ‌ها و تسخیر خیابان‌ها است.

روز ۲۵ شهریور همه بی‌حجاب ظاهر شویم. بی‌حجابی خاری در چشم رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی است. هر چه بیشتر آن را گسترش دهیم و ارکان حکومت را به لرزه درآوریم.

مردم کردستان خود را برای اعتصاب عمومی یکپارچه و سراسری آماده می‌کنند. خانواده ژینا اعلام مراسم کرده‌اند و تشکل‌های مردمی و اصناف سقز فراخوان به تجمع بر مزار ژینا داده‌اند. خانواده‌های جان‌باختگان یک ستون مستحکم انقلاب‌اند همه‌جا بر مزار عزیزان جان‌باخته‌مان تجمع کنیم و علیه جنایت‌کاران حاکم خشممان را فریاد کنیم.

۲۵ شهریور روزی برای شروع موج تازه انقلاب است. یاد عزیز مهسا و مهساها را با تعرض هر چه گسترده‌تر به رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بزرگ بداریم!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ شهریور ۱۴۰۲، ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

روزی حجابی همگانی در سراسر ایران!

در سالروز جان‌باختن مهسا/ژینا امینی که به دست جلادان حجاب کشته شد، سراسر ایران به یاد او بی‌حجاب خواهد بود!

در ۲۵ شهریور از سقز و سندانج تا تهران و اصفهان و زاهدان، در همه‌جا حجاب اجباری، این بیرق اسلام سیاسی را تماماً به زیر خواهیم کشید و فریاد خواهیم زد: "زن، ژینا، نازادی!"

روز مهسا روز رهایی کامل جامعه ایران از طوق بردگی حجاب اجباری و آغاز پایان جمهوری اسلامی است!

گسترده‌تر باد بی‌حجابی همگانی

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ شهریور ۱۴۰۲، ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

دوباره به خیابان می آییم فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

۲۵ شهریور روز تجمع بر مزار ژینا، روز باز ایستادن همه چرخها و تسخیر خیابانها خواهد بود

امجد امینی پدر ژینا (مهسا) امینی اعلام کرده است: «برای گرامیداشت نام و یاد ژینا بر آنیم که امسال مراسم سالگرد را برگزار کنیم. اما قطعاً با توجه به شرایط نمی‌توانیم به صورت رسمی برای دعوت مردم در مراسم فراخوان بدهیم و یا به مردم بگوییم که در مراسم شرکت نکنند. چرا که امروزه همه می‌دانند که مهسا فقط متعلق به خانواده امینی نیست و او دختر ایران است و متعلق به تمام کشور است. دوستداران مهسا به مثابه خانواده‌اش هستند بنابراین مردم هر طور تصمیم بگیرند ما مطیعشان هستیم.»

این پاسخ کوبنده پدر مهسا امینی به رژیم درمانده اسلامی است. تشکل‌های مردمی و اصناف سقز نیز مردم سراسر کردستان را به تجمع بر مزار ژینا فراخوانده‌اند تا «بار دیگر و بیش از پیش، فریاد آزادی‌خواهی خود را علیه ظلم این ظالمان برآریم.» حکومتی تماماً مستأصل که ترس و وحشت از همه چیز و همه کس سرپای وجودش را فراگرفته است گمان می‌کند می‌تواند با دستگیری و تهدید خانواده‌های جان‌باختگان و مردم به‌جان آمده مانع تداوم انقلاب شود.

اما تهدید، ارباب، زندان، اعدام و دستگیری خانواده‌های جان‌باخته و فعالین انقلاب درد بی‌درمان حکومت در حال سقوط را درمان نخواهد کرد. این تقلاها سراسیمگی، وحشت و هراس رژیم اسلامی در شروع موج‌های تازه انقلاب را نشان می‌دهد. زنان، دانشجویان، جوانان، خانواده‌های جان‌باخته و بخش‌های مختلف مردم در سراسر کشور با انتشار فراخوان‌هایی اعلام کرده‌اند که به خیابان‌ها باز خواهند گشت و تا پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی و رسیدن به اهداف آزادی‌خواهانه خود کوتاه نخواهند آمد.

روز شنبه ۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخها و تسخیر خیابانها است. روز تعطیل همه مراکز کار و تحصیل و بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین تجمع بر سر مزار مهسا و حضور هرچه گسترده‌تر در خیابانها است. روزی که مردم در سراسر کشور خود را برای موج تازه انقلاب آماده می‌کنند. در احترام به مهسا و همه جان‌باختگان انقلاب و همراه با خانواده ژینا بپا خواهیم خواست، در سراسر کردستان دست از کار می‌کشیم و بر مزار ژینا تجمع عظیم خود را برپا خواهیم کرد. حضور گسترده ما هر مانعی را در هم خواهد پیچید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ شهریور ۱۴۰۲، ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

امروز ۱۸ شهریور هشت تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی طی بیانیه‌ای به مناسبت یک‌سالگی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و سالروز قتل مهسا امینی (ژینا)، همگان را به اعتراض سراسری در این روز فراخواندند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، ندای زنان ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری، سندیکای نقاشان البرز و صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد امضاکنندگان این بیانیه هستند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «ما تشکل‌های امضاکننده این بیانیه اعلام می‌داریم که روز ۲۵ شهریور، روز به‌قتل‌رسیدن مهسا امینی، تاریخ شروع انقلاب «زن، زندگی، آزادی» است. ۲۵ شهریور یاد مهسا امینی نماد انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و یاد همه جان‌باختگان راه آزادی طی ۴۴ سال گذشته را گرامی بداریم. وسیعاً به خیابان بیاییم و این روز را به‌روز اعتراض سراسری خود تبدیل کنیم. بر مزار مهسا امینی جمع شویم و یاد او را گرامی بداریم. با گرامیداشت یاد تک‌تک جان‌باختگان و با بلندکردن فریاد دادخواهی، شعار «زن، زندگی، آزادی» را هر چه رساتر سر دهیم و با اعلام اعتصاباتمان شروع دوباره‌ای را رقم بزنیم.»

امضاکنندگان این بیانیه ضمن تأکید بر توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام و آزادی همه بازداشت‌شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی مردم را به متحدشدن حول منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل به‌عنوان منشور اتحاد مردمی در انقلاب زن زندگی آزادی فراخوانده‌اند. بیانیه‌های تشکل‌های مبارزاتی کارگران و بخش‌های مختلف اجتماعی، نشانی از تعیین‌یافتگی انقلاب است. حزب کمونیست کارگری هم‌صدا با این تشکل‌ها همه مردم را به اتحاد حول منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل و برپایی تجمعات و اعتصاب و اعتراض در اولین سالگرد انقلاب، فرامی‌خواند. متن کامل بیانیه هشت تشکل به مناسبت سالگرد انقلاب و قتل مهسا امینی ضمیمه است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ شهریور ۱۴۰۲، ۹ سپتامبر ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری
ایران پیوندید!



رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!

MAHSA

16

SEPTEMBER

DAY



Woman life freedom

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

ایمیل: kazem.nikkhah@gmail.com

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org